

اداره کلی اوقاف

فیر قابل فروش

کتاب تاریخ قرآن مجید

شامل مختصری از تاریخ زندگانی حضرت رسول اکرم (ص) و ادواریکه برقرآن کریم از لحاظ کتابت و جمع آوری ترتیب و ترجمه آن بزبانهای مختلفه گذشته است .

تألیف

جناب آقای سید محمد علی تقوی

مدیر محترم روزنامه دنیای اسلام

بها در تمام کشور

۱۵ ریال

این کتاب که شاید در زبان فارسی در نوع خود
بی نظیر یا کم نظیر باشد

در تیرماه ۱۳۲۸ — مطابق ماه رمضان ۱۳۶۸ هـ در تهران

در چاپخانه کیهان بطبع رسیده و ضمیمه

روزنامه دنیای اسلام و بمنزله

طلیعه انتشار سال شوم می باشد

حق طبع مخصوص مؤلف است

چاپ سوم

دفتر اداره روزنامه دنیای اسلام



ع ۱۳

کتاب تاریخ قرآن مجید

شامل مختصری از تاریخ زندگانی حضرت رسول اکرم (ص) و ادواری که بر قرآن کریم از لحاظ کتابت و جمع آوری ترتیب و ترجمه آن بزبانهای مختلفه گذشته است.

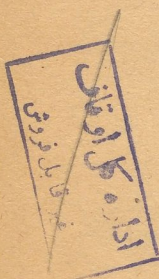
تألیف

جناب آقای سید محمد علی تقوی

مدیر محترم روزنامه دنیای اسلام

بها در تمام کشور

۱۵ ریال



این کتاب که شاید در زبان فارسی در نوع خود بی نظیر یا کم نظیر باشد

در تیرماه ۱۳۲۸ - مطابق ماه رمضان ۱۳۶۸ هـ در تهران

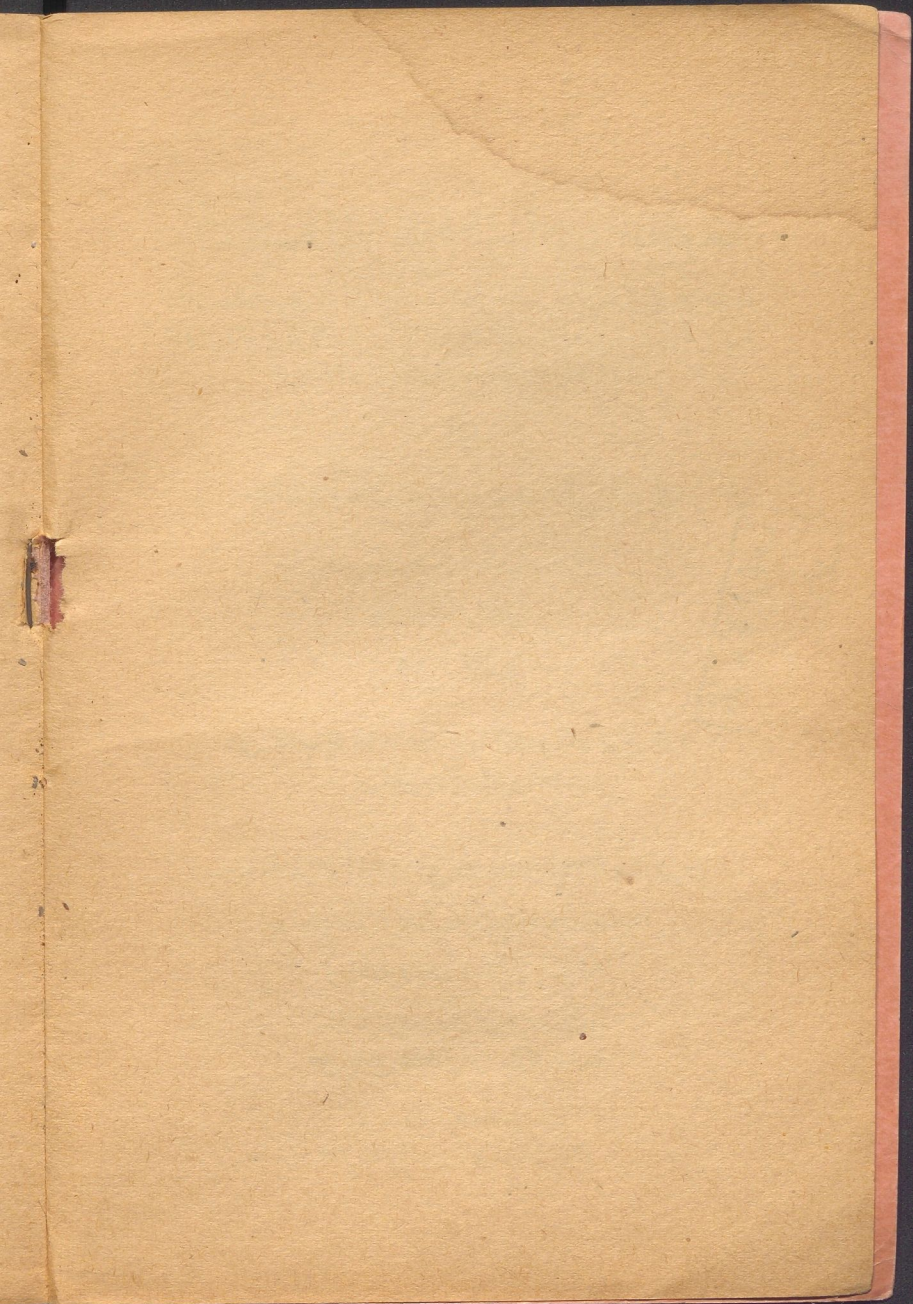
در چاپخانه کیمیا بطنع رسیده و ضمیمه

روزنامه دنیای اسلام و بمنزله

طلیعه انتشار سال سوم می باشد

حق طبع مخصوص مؤلف است

دفتر اداره روزنامه دنیای اسلام



فهرست مندرجات

موضوع	شماره ترتیب صفحه
الف مقدمه (۱) که از مطالعه دقیق آن سبب تالیف کتاب و بسی مطالب دیگر بدست میآید که عمده آن اثبات محرف بودن کتابهای تورات و انجیل است.	۱ (۱)
مقدمه (۲) تشبیه نور نبوت و ظهور آن در افاق ظلمت و جهالت و نادانی بنور خورشید.	۲ (۲)
ولادت باسعادت پیغمبر اسلام (ص)	۳ (۳)
اوضاع جهان در حال ظهور پیغمبر اسلام (ص)	۷ (۴)
خلاصه تاریخ پیغمبر اسلام (ص)	۱۲ (۵)
تاریخ قرآن (ابتدای نزول قرآن)	۱۹ (۶)
اوقات نزول قرآن	۲۱ (۷)
پیغمبر اسلام «ص» آیات قرآنرا پس از نزول برای صحابه میخواندند.	۲۳ (۸)
تشریح و توضیح حدیث سبعة احرف	۲۶ (۹)
در زمان پیغمبر ص نویسندگانی که باقر آنسرور قرآنرا مینوشتند چه کسانی بودند؟	۲۸ (۱۰)
در عهد پیغمبر «ص» چگونه قرآن جمع میشد و بر روی چه نوشته میشد؟	۳۰ (۱۱)
در زمان پیغمبر (ص) چه کسانی قرآن را جمع آوری می نمودند؟	۳۲ (۱۲)
تاریخ نزول سوره های قرآن و تعیین سوره های مکی و مدنی آن	

موضوع	صفحه	شماره ترتیب
ترتیب نزول قرآن در مکه و مدینه	۳۹	(۱۳)
قرآن در زمان ابوبکر و عمر	۴۵	(۱۴)
قرآن در زمان عثمان	۴۹	(۱۵)
ترتیب سوره‌های قرآن مطابق قرآنیکه حضرت امیر علی ع جمع فرموده بودند .	۵۲	(۱۶)
ترتیب سوره‌های قرآن مطابق مصحف ابی بن کعب	۵۴	(۱۷)
ترتیب سوره‌های قرآن مطابق مصحف عبدالله ابن مسعود	۵۵	(۱۸)
ترتیب سوره‌های قرآن مطابق مصحف عبدالله بن عباس رض	۵۷	(۱۹)
ترتیب سوره‌های قرآن مطابق مصحف حضرت امام جعفر صادق (ع)	۵۹	(۲۰)
اعراب قرآن از چه زمانی شروع شده است ؟	۶۲	(۲۱)
نقطه‌گذاری قرآن	۶۴	(۲۲)
مختصری از ترجمه احوال قراء مشهور هفتگانه قرآن که مطابق دستوراتمه‌انی عشر بطرز هر يك از آنها میتوان قرآن را خواند و به ترجمه بین قرائت همگی میباشد.	۶۶	(۲۳)
ترجمه قرآن بزبانهای خارجی	۷۵	(۲۴)
تاریخ قرآن بزبانهای خارجی	۷۶	(۲۵)
ترتیب سوره‌های مکی به عقیده (نولدکه) مستشرق معروف آلمانی	۷۷	(۲۶)
ترتیب سوره‌های مدنی به عقیده (نولدکه)	۷۸	(۲۷)
گفتگو در فواتح بعضی سوره‌های قرآن مجید	۷۹	(۲۸)

مقدمه (۱)

که از مطالعه دقیق آن سبب تالیف کتاب وبسی
مطالب دیگر بدست میآید

وقتی از اوقات یکی از دوستان نزد اینجانب از یک نفر از مبلغین
مسیحی شکایت کرده که غالباً در مغازه او میآید و ویرا تبلیغ بکتاب
عهد عتیق و جدید یعنی تورا و انجیل نموده و نسبت بقرآن مجید کتاب
مسلمانان اظهارات بی ادبانه مینماید.

اورا گفتم روزی از روزها آن مبلغ را در منزل خود دعوت کن و حقیر
را هم بخواه تا با هم مباحثه کنیم و خرافات عقاید مسیحین و کلمیین بر
تو و هر کس از رفقایت که حاضر باشد آشکار گردد.

اتفاقاً روزی بنزد اینجانب آمد که فردا فلان ساعت آن مبلغ
در منزل اینجانب حاضر است و خواهشمند است فردا در همان ساعت شما
هم فراموش نثمائید.

اتفاقاً فردای آن روز که روز جمعه بود در منزل آن دوست گرامی با بعضی
از همراهان حاضر شدیم که از جمله آنها آقای محمد ابراهیم اسفندیاری و
آقای عبدالله صدری بودند که دریا کنویس کردن مطالب این کتاب زحمت
بسزائی کشیده اند.

عمده مطلبیکه آن روز مورد مذاکره قرار گرفت این بود که این
تورا و انجیل را که فعلاً در دست کلیمیان و مسیحیانست نمیتوان بتمام معنی
همان دانست که از جانب پرورگار بر حضرت موسی ع و حضرت عیسی ع
نازل شده است.

اما تورا و اولا برای آنکه تورا و فعلی منسوب بشخصی موسوم

به حقیقا است که رئیس کهنه زمان خود بوده و بوسیله کاتب پادشاه
آن زمان موسوم به ویشیا که سبطشان زده می یهودا بود بادعاء اینکه تورا
اصلی است و در خانه خود آنرا یافته تقدیم مشارالیه نمود که از روی
آن نسخه های متعددی برای قوم یهود تهیه شد .

در صورتیکه سلطنت ویشیا بر بنی اسرائیل بعد از وقایع مهمی
مانند قتل عام بخت نصر و غیره بوده که بر آنها گذشت و در اثر آنها بکلی نسخه
های تورا حقیقی مفقود شده بود و حقیقا هم معلوم نیست که چه کسی می
باشد که این نسبت باو داده شده و آیا مدعی او راست یا دروغ
بوده است .

ثانیا در بعضی آیات تورا مانند آیه ششم از باب دهم سفر تثین
تاریخ وفات هرون و در آیه شش از باب سی و چهارم همان سفر تاریخ
وفات حضرت موسی را شرح میدهد و این اقوی شاهد است بر اینکه
این تورا بعد از حضرت موسی نوشته شده و غیر از آن الواح است که
بنام تورا حقیقی بر حضرت موسی نازل گشته است .

و اما آیات انجیل که آنها پر واضحست نمیتوان آنها را همان آیاتی
دانست که بر حضرت عیسی ۴ نازل شده است زیرا اولاً در تمام انجیل
شرح بردار زدن حضرت عیسی ۴ نوشته شده است و اگر آیات این انجیلها
همان آیاتی بود که بر حضرت عیسی ۴ نازل شده است پر واضحست نباید
این قضیه در آن باشد چنانچه از قضیه وفات حضرت رسول در قرآن
ذکری نیست .

و ثانیاً تمام کتب انجیل های چهارگانه متی - یوحنا - مرقس
یوحنا با یکدیگر اختلافات فاحش دارند و جهتش هم آنستکه بتصدیق
خود مسیحین آیات آنها در زمان خود حضرت مسیح و باهر آنحضرت

نوشته نشده است بلکه پس از بردار زدن آنحضرت (بعقیده آنها) یا پس از عروج آنحضرت با آسمان (بعقیده ما مسلمانان) حواریین آنحضرت این آیات موجود در انجیلهای چهارگانه را بعنوان نقل از کلمات حضرت مسیح ۴ تا هر مقدار یکبار در دستشان مانده و فراموش نشده بعنوان انجیل نازل شده بر حضرت عیسی انتشار دادند و بهیچوجه ذهن آنها را نمیتوان مصون از خطا دانسته و گفت مسموعات خود را هویت نقل کرده اند و اقوی دلیل بر آن اختلاف مطالب آنها با هم است و هر چیزیکه مورد اختلاف شد حتماً مورد تردید خواهد بود.

از اینها گذشته مطالبی در این کتب عهد عتیق و جدید یعنی تورا و انجیل فعلی هست که هیچ عاقلی نمیتواند باور کند که اینها کلمات پروردگار باشد:

مثلاً در آیه (۶) از باب شش سفر پیدایش و آیه ۳۵ از باب ۱۵ کتاب اول سموئیل و آیه ۱۶ از باب ۲۴ کتاب دوم سموئیل از کتاب تورا صریحاً نسبت جهل و عجز و پشیمانی پروردگار داده است.

و در آیه ۳۰ از باب ۱۹ سفر پیدایش نسبت زناکاری و شرابخواری به لوط پیغمبر ۴ و در آیه ۱۵ از باب ۳۸ همان سفر نسبت زنا به یعقوب پیغمبر و در آیه ۴ از باب ۱۱ و آیه ۱۱ از باب ۱۲ کتاب دوم سموئیل همین نسبت را به داود پیغمبر و در آیه ۲۰ از باب ۶ از سفر خروج تورا نسبت نکاح با عمه را که بموجب آیه ۱۲ از باب ۱۸ از سفر لاویان در شریعت تورا ممنوع است حضرت موسی ۴ میدهد.

و باینکه در آیه ۹ از باب (۱۸) سفر لاویان از تورا تصریح میکند که نکاح با خواهر چه پدری و چه مادری باشد در شریعت تورا حرام است معذالک از تمام باب (۲۰) از سفر پیدایش و آیه ۱۳ از باب ۱۲ همان

سفر توراۃ بدست میآید که ساره زن حضرت ابراهیم و خواهر آنحضرت بوده و یا اعیاذ باللہ زن خود را بعنوان خواهر معرفی نموده است که جلب توجه ابی ملک پادشاه کشور چرار و جلب نظر پادشاه مصر را هنگام دخول در مصر بنماید.

بلکه از فقر و نوم اینطور بدست میآید که نعوذ باللہ ابراهیم و زن و جیهه خود ساره را برای بدست آوردن اموال بیکران بعنوان خواهر خویش بیادشاه مصر بزنی داد.

و در آیه (۳) از باب (۱) انجیل متی نسبت حضرت مسیح را به قارص فرزند یهودا که بزنا از مادر متولد شده است میسراند. و در آیه ۷ همان باب انجیل متی نسبت زنا به داود با مادر سلیمان در حالیکه زن او ریای حتی بوده میدهد.

و در آیه (۱۶) از باب (۹) سفر پیدایش توراۃ نسبت عشقبازی به حضرت یعقوب پیغمبر ۴ با راحیل خواهر لیه و جمع بین ایندو خواهر که بموجب آیه (۱) از باب (۱۸) سفر لاویان حرام است می دهد که نتیجه آن زنازادگی تمام پیغمبران و پیغمبر زادگان بنی اسرائیل خواهد شد.

بعلاوه در آیه (۲۱) از باب (۹) سفر پیدایش توراۃ نسبت هستی و کشف عورت و فرزندانی حضرت نوح ۴ میدهد.

و با اینکه بموجب آیه (۹) از باب «۱۰» سفر لاویان توراۃ شراب در شریعت توراۃ حرام است و بموجب آیه «۱۷» از باب «۵» انجیل متی حضرت مسیح ۴ برای تکمیل صحف انبیای گذشته و توراۃ آمده است نه برای نسخ آنها، معذالک در آیه «۲۵» از باب «۲۶» انجیل متی نسبت شرابخواری به مسیح ۴ میدهد در صورتیکه گذشته از اینها در آیه (۱)

از باب «۲۰» کتاب سلیمان و در آیه «۱۸» از باب «۲۱» و آیه «۴ و ۵» از باب «۳۱» همان کتاب و در آیه «۱۱» از باب «۴» کتاب هوشع و آیه «۱۱» از باب «۵» کتاب اشعیاء تا آیه «۲۲» و در آیه یک تا آیه «۹» از باب «۲۸» و آیه «(۱۱) و (۱۲)» از باب «۶۵» همان کتاب از توراة و در آیه «۱۵» از باب یک رساله پولس و آیه «۲۱» از باب «۵» آن از انجیل همگی بحرمت شرابخواری در شریعت توراة و انجیل تصریح شده است.

و در آیه «۱۳» از باب «۶» کتاب دوم سموئیل تا آیه «۱۴» و آیه «۲۳» از باب «۱۹» از کتاب اول سموئیل و آیه «۲۱» از باب «۱۶» همان کتاب و آیه «۱۳» تا «۱۵» از باب «۳» کتاب دوم بادشاهان و آیه «۳۰» از باب «۱۵» از سفر خروج و آیه «۶» از باب «۱۸» از کتاب اول سموئیل و آیه «۱۳» از باب «۱۰» کتاب اول پادشان توراة همه تصریح به نسبت رقص و استعمال بربط و دف یعنی تار و تنبک به بنی اسرائیل و پیغمبر زادگان و پیغمبران و مخصوصا حضرت سلیمان داده شده است که همه اینها از یک کتاب آسمانی که از سوی خدا نازل شده است کاملا بعید میباشد.

و همچنین در آیه «۱۰» از باب «۲۲» سفر خروج توراة بحضرت هرون نسبت داده که برای بنی اسرائیل گوساله ساخت که پیرستند.
و در آیه «۱۳» از باب «۳» رساله پولس انجیل نسبت ملمعون بودن به حضرت مسیح داده شده.

و در آیه «۹» از باب «۲۲» کتاب دوم سموئیل توراة نسبت جسمیت بخدا داده شده.

و در آیه «۲۴» از باب «۳۳» سفر بیدایش توراة بخدا نسبت میدهد که شب از آسمان بزیر آمد و تا صبح با یعقوب کشتی گرفت.

و در آیه ۱ از باب ۱۸ همان سفر نسبت بابر اهیم میدهد که پاهای
خدا را شست .

و در آیه ۳ از باب ۱۵ سفر خروج و آیه ۱۹ از باب ۳۲ کتاب اول
پادشاهان و آیه (۲) از باب ۱۵ کتاب هوشع توراۃ نسبت جسمیت
به خدا داده شده و حتی در آن آیات پروردگار بخرس و پلمنک تشبیه
شده است .

پس از تمام اینها بدست آمد که نمیتوان این توراۃ و انجیل را همان
توراۃ و انجیل نازل شده از سوی پروردگار دانست و تبلیغات آقایان
مبلغین مسیحی و دعوتها که به کتب عهد عتیق و جدید صورت میگیرد دعوت
بیک کتابهای تحریف شده که دارای سخنان مجعول بسیاری میباشد بیش نیست .
سخن که باینجا رسید آن مبلغ مسیحی بایک قیافه که حاکی از قبول
و تسلیم این مطالب بوده گفت :

اگر این ایرادات را بجا و کتب توراۃ و انجیل را بشرحیکه تذکر دادید
تحریف شده بدانیم نظیر این سخن در قرآن شما مسلمانان هم هست زیرا
شما مسلمانان و مخصوصاً شما گروه «شیعه مذهب» نیز این قرآن را که در
دست دارید غیر از آن قرآن حقیقی میدانید که امام اول شما علی ابن
ابی طالب (ع) جمع کرده و فعلاً نزد امام دوازدهم شما که الان زنده و غایب
میدانید موجود میباشد و معتقد هستید که از این قرآن موجوده فعلی آیتی
دزدیده شده است .

**گفتم هیهات که اینسخن درست باشد زیرا اگر از عقاید شخصی
خودتان نسبت بقرآن اظهار عقیده میکنید عرضی ندارم و اگر از
عقیده ما «شیعه مذهب» نقل میکنید که کاملاً خلاف اظهار داشته اید زیرا
مطابق فن پنجم از فنونیکه صاحب کتاب تفسیر مجمع البیان که از صحیحترین**

و محکم ترین کتب تفسیر شیعه است در مقدمه تفسیر خود آورده سید مرتضی علم الهدی ره که از اعظم علماء شیعه است در پاسخ مسایل طرابلسیه نوشته است «وقتی نتوان باور کرد که در کتاب مزنی شاعر و یا کتاب نحو سیمویه که مورد علاقه طلاب و اهل علم است مثلاً تحریف شده یا چیزی بر آن زیاد و یا از آن کسر شده باشد، چگونه عقل تجویز میکند که کتابی مانند قرآن که از اول نزولش تا کنون تمام طبقات مسلمانان عنایت کامل به ضبط آن داشتند مورد تحریف واقع و یا چیزی از آن کسر یا بر آن زیاد شده باشد».

آنچه مسلم است آنستکه قرآن مجید همانطوریکه الان مولف و موجود نزد ماست در زمان خود حضرت رسول ص مرتب و جمع آوری شده است و کسانی از صحابه حضرت رسول ص مانند عبدالله بن مسعود و ابی ابن کعب و زید بن ثابت چندین مرتبه آنرا از اول تا باخر بر خود آنحضرت تلاوت کرده اند.

پس باتفاق تمام مسلمانان از شیعه و سنی هیچگونه تحریف یا اضافه و نقصانی در قرآن مجید از اول نزول آن تا کنون دست نداده است پس از ختم آن جلسه با خود فکر میکردم که چون در زبان فارسی کتابی تحت عنوان «تاریخ قرآن» که اینموضوع را مفصل تر اثبات نموده و مدلل دارد که مصاحفیکه بدست حضرت امیر ع و صحابه نوشته میشد باهم هیچ اختلافی در ماهیت آیات و سوره قرآنی نداشته و اگر هم اختلافی باشد در کیفیت جمع آوری و ضبط آیات و سوره قرآن و تقدیم و تاخیر بعضی آیات و سوره بر بعضی دیگر روی یک مرجحات اجتهادی شخصی است در دسترس نیست و در عربی هم جز یک کتاب تحت عنوان فوق تالیف دانشمند معظم مرحوم حاج ابی عبدالله زنجانی بنظر اینجانب نرسیده لذا تصمیم

گرفت که در اینموضوع کتابی بنام مذکور «تاریخ قرآن» برشته
تحریر درآورد.

از اینرو توفیق الهی شامل گشت که مطالب کتاب مزبور تهی و در
ضمن انتشار دوره دوساله روزنامه دنیای اسلام تدریجا تحت عنوان
(معرفی قرآن از نظر تاریخ) منتشر گردید.

لکن چون کتاب مزبور اولافقد چنین مقدمه که سبب تالیف آنرا
روشن سازد بود و ثانیاً کاملاً بطور يك کتاب منظم و مرتب نبود لذا در
صدد برآمد که مطالب متفرق آنرا کاملاً بطور يك کتاب منظم و مرتب
درآورد و بصورت این کتاب که ملاحظه میفرمایند تقدیم برادران دینی
بوژه اهل علم و دانشمندان دینی بنماید.

امید است بچشم خشنودی بر آن نگر بسته و صرف وقت و
زحماتی که در جمع و ترتیب مطالب آن تحمل شده مورد تشویق واقع گردد.

مدار یکیکه در جمع آوری این کتاب مورد مطالعه بوده است از
کتاب شیعه ۱- تفسیر صافی ۲- تفسیر مجمع البیان ۳- تفسیر عالی بن
ابراهیم قهی ۴- کتاب سعد السعود ابن طاووس علوی ره ۵- کتاب اصول
کافی ۶- کتاب بحار مرحوم مجلسی ره ۷- کتاب امامی شیخ طوسی ۸- کتاب
حدایق الرياض مرحوم شیخ مفید.

و از کتب معتبره نزد اهل سنت ۱- تفسیر طبری ۲- صحیح بخاری
۳- کتاب اتقان سیوطی و غیره بوده است.

و در ترتیب و تنظیم مطالب این کتاب از کتاب تاریخ القرآن مرحوم
حاج ابو عبد الله زنجانی طبع قاهره ۱۳۵۴ هـ - ۱۹۳۵ م با قدری تغییر اقتباس
شده و بسیاری از مطالب آن کتاب نیز مورد استفاده واقع گردیده که پاره از
آنها نقل بمعنی و قسمت زیادی هم از عبارات آن عیناً ترجمه شده است
فشکر الله مساعیه و رحمه الله واسکنه بحبوحه جناحه
پایان

آغاز

تاریخ قرآن مجید

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه - از آنجائیکه مجموعه خلقت انسان مخصوصاً از نظر اینکه کالبد نفس ناطقه و قوه مدرکه بشریست خود جهانی علیحده در مقابل جهان خارج بوده و بموجب آیه کریمه «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» از نظر سوق افکار بعالم توحید با عالم افلاک و عناصر یعنی جهان خارج برابری و رقابت میکند بلکه از لحاظ اینکه روح انسانی بموجب کریمه «قل الروح من امر ربی - مخلوق» بلا واسطه ذات پاک ربوبی است از شناسائی شئون آن بهتر می توان از سر چشمه معرفت سیراب گشت که جمله شریفه «اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر» اشاره بآنست از این جهت چنانچه سنت الهی بر این جاری گشته که عالم ماده و خارج را بواسطه نور خورشید زنده نگاه دارد همچنین سنت خداوند جهان بر آنست که عالم نفوس انسانی را بواسطه نور خورشید نبوت منور سازد که چنانکه نور چون در فضای تاریکی پدیدار شود آن فضا را روشن می سازد همچنین چون نور تعلیمات رجال نبوت در چراغ قلب جامعه شعله ور گردد قلوب آن جامعه از پرتو آن نور تابان و درخشان خواهد گشت اینست که خداوند جلیل سخن خود را که بر پیغمبرش فرستاده نور نامیده است در آنجا که فرموده «قد جاتکم من الله نور و کتاب مهین» لذاستکه اگر کسی بتاریخ جهان قبل از ظهور اسلام نظری افکند و مخصوصاً حالات مردم دنیای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی را تحت نظر گیرد می یابد که چگونه در آن روزگار شرق و غرب عالم را ظلمت

جهل و تاریکی نادانی فرا گرفته و فساد اخلاق و آدم کشی های بیجا و کشتن دختران و پسران از ترس فقر و بالاخره شهوت رانی و هرزه گی در قلوب جامعه بحدی ریشه دو اندیده بود که زندگانی بشری نمونه کامل زندگانی حیوانات و وحشی را نشان میداد

در همه چهره روزگاری دیانت محمدی (ص) از جزیره العرب طالع گشت یعنی شخص محمد صا بموجب کریمه «فاستقم كما امرت» در حالیکه بدستش قرآن مجید یعنی این گنجینه نور الهی بود از آن سرزمین سر بر آورده و بایک اخلاق فاضله و رفتار حمیده که خاصه خودش بود دنیائی را تکوان داد و برخلاف ادیان آن زمان که همه پیروان خود را بدینی دعوت میکردند که باید در راه فهم دستورات آن دین و غوررسی بجزئیات آن چشم عقل را کور و گوش خرد را کر دانست فریاد بر آورد که ای مردم جهان دعوت دین من روی پایه عقل و علم است « ولا تفت ما لیس لك به علم ان السمع والبصر والفتواد کل اولئك کان عنه مسؤلا » اکنون برای اینکه خوانندگان گرامی تاحدی بر سیره این پیغمبر (ص) واقف شوند جمعی از تاریخ آن مرد بزرگ را که متکی به محکم ترین مراجع تاریخی است تیمنآ در اینجا یاد آور میشود :

ولادت با سعادت پیغمبر اسلام (ص)

تعیین تاریخ حقیقی ولادت پیغمبر اسلام (ص) از هر جهت مشکل است چه آنکه اول آن عصر هنوز علم تاریخ و ضبط حوات در بین اعراب مرسوم نشده بود و ثانیاً سنوات معمولی که در عرب متداول بوده معلوم نیست شمسی یا قمری بوده است ولی از آنجا که مدرک مورخین اروپائیز بدران موضوع اقوال علماء اسلام است

از این جهت مابه نقل از همان کتب مورخین اسلامی در اینجا اکتفا می‌کنیم
محمد ابن محمد نعمان مفید در کتاب حدائق الریاض و تواریخ شرعیه
ولادت آن حضرت را در هفدهم ربیع الاول دانسته است و همچنین
ابن طاوس علوی در کتاب اقبال گفته است ولادت پیغمبر اسلام در
هفدهم ربیع الاول سال چهل و دوم از سلطنت انوشیروان بوده است چنانکه
خود آن سرور فرموده است که من در زمان سلطان عادل متولد شدم
امام حافظ ابو ذکریا محی الدین ابن شرف نوری که از علمای اهل سنت است
در کتاب تهذیب الاسماء واللغات گفته است که عقیده صحیح و مشهور
آنست که ولادت پیغمبر اسلام (ص) در سال عام الفیل بوده است و همچنین
ابراهیم ابن منذر خزای شیخ بخاری و خلیفه ابن خیاط و سایر علماء اهل
سنت نیز نقل اجماع بر این کرده اند که ولادت آن حضرت در روز دوشنبه
از ربیع الاول بوده است ولی اینان بین دوم و هشتم و دهم و دوازدهم
ربیع الاول اختلاف عقیده دارند .

در بین علماء شیعه ابو جعفر محمد ابن یعقوب کلینی صاحب کتاب کافی نیز ولادت
آنحضرت را در روز دوازدهم ربیع الاول سال عام الفیل تعیین نموده است .

اوضاع جهان در حال ظهور پیغمبر اسلام (ص)

پیغمبر اسلام (ص) در اوایل قرن هفدهم میلادی بشرحیکه از لحاظ
تعیین تاریخ تولد آنحضرت گذشت در بین بنی هاشم از طوائف قریش
طلوع فرموده و دعوت آنحضرت از آنجا که بتائیدات خداوندی مؤید بود
بسرعتی که در بین ادیان جهان نظیر نداشت در اندک مدتی در تمام جزیره
العرب برق آسا منتشر گشت و در آن زمان مملکت شام و مصر در قلمرو
هرقل (هراکلیت) پادشاه روم و مملکت عراق و یمن در قلمرو انوشیروان
پادشاه ایران بود و سلاطین ایران و روم که هر یک در نیمه از جهان

حکمرما بودند بیوسته بایکدیگر بطوری کشمکش داشتند که بکلی
خزانه های هر دو کشور تهی گشته و سراسر مملکت هر دورا اختلافات
داخلی فرا گرفته بود و بالاخره در این مجادلات زمانی قسمتی از ممالک
روم بدست ایرانیان می افتاد و هنگامی رومیان مقداری از ممالک ایران
را اشغال می نمودند تا اینکه در سال ششصد و یازده میلادی ایرانیان شهر
(رها) را که در صد و نود کیلومتری حلب است فتح کردند و در سال
ششصد و سیزده بر دمشق و در سال ششصد و چهارده بر اورشلیم استیلا یافته
و نفایس گرانبهائی به غنیمت بردند که از آن جمله صلیب قیمتی بیت المقدس
بوده است. و در سال ششصد و هفده بر مصر حمله برده و اسکندریه را
اشغال نمودند.

دسته دیگر از قشوق ایران به آسیای صغیر حمله برده و تا نزدیکی
مرکز آن خود را رسانیدند در این موقع بود که هرقل پادشاه روم بخود
آمده و قشون جزای تجهیز نموده و همه این شهرها را با آن صلیب قیمتی
از ایرانیان پس گرفت.

در این میان که این دو دولت بزرگ بایکدیگر در ستیز بودند از آنجا که
کشور عربستان در آن عصر یگانه راه هندوستان و از طرفی خود آنکشور
دارای محصولات طلا و انواع عطریات نفیسه بود مورد رقابت طرفین
ایران و روم قرار گرفته و هر یک در بسط نفوذ خود در این کشور میکوشیدند
تا بجائی رسید که رومیان برای بسط نفوذ خود در شبه جزیره عربستان
به پادشاهان غسانی و ایرانیان پادشاهان حیره یعنی ملوک منازره متوسل
گشتند و هر یک از دو دولت بزرگ ایران و روم بواسطه این دو سلسله
پادشاهان عرب در عربستان برای خود منطقه نفوذی تهیه و با رقیب در
کشمش بودند.

مذهب رسمی ایران در آن زمان زردشتی و مذهب رومیان مسیحی بود مسیحیان در آن وقت بدسته‌های یقوتیین و نسطوریین و اریوشین و ارتودکسی تقسیم میشدند چنانچه یهودیان که در آن زمان همدستان ایرانیان بودند بدسته‌های ربانین و قرائین و ساهریین منقسم بودند.

مردم جزیره العرب دسته بت پرست و دسته ستاره پرست بوده وعده دیگری عقیده بحشرولی به آفریدگار جهان بی اعتقاد نبودند و بعضی هم منکر آغاز و انجام هر دو بودند و حیات موجودات را از ناحیه طبیعت و دهر میدانستند و بجن و غول و نجوم و بحشرو بخت و اتفاق و تفسیر و تعبیر خوابهای پریشان اعتقاد بسزائی داشتند.

اقوام یهود و نصاری در آن موقع از شام و زردشتیان از بین النهرین وارد جزیره العرب گردیدند.

عادات ناپسندی در آن موقع بین مردم عربستان مانند ستم بزیر دستان و بندگان و زنده بگور کردن دختران و شراب خواری و قمار بازی و غیره چنان شایع بود که در فساد اخلاق مردم آن سامان در آن روزگار ضرب المثل همه اقوام و ملل جهان بودند و بطور کلی سیئات اعمال مردم عربستان بحدی در آن روز زبان زد تمام مردم گیتی بود که هر يك از افراد مردم مشرق زمین و غربیان رایگانه آمال و آرزو این بود که آن منطقه از این وضع نفرت آوردهائی یابد.

در این میان که اخلاق داخلی مردم عربستان چنین بود و مردم شرق و غرب جهان نیز بنام ایران و روم پیوسته بایکدی بگردر کشمش بوده و اوقات خود را در میدانهای رزم و یابسر مستی در محافل بزم میکزاندند ناگهان از بین مردم آنروز عربستان که در آن روزگار آنچنان به پستی شهره جهان

و جهانیات بودند آن را در مرد الهی یعنی شخص محمد (ص) که تازه در آن سرزمین طلوع نموده بود پیوسته ذکر کوچه و بازارهای مکه که در آن روزگار مورد نظر اهل جهان بود و مخصوصاً در هر جا و هر موقع که جمعیتی از خودی و بیگانه میدید فریاد بر میآورد که ای مردم آفاق (انکم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم) - یعنی شما آنچه غیر از خدای یکتا ستایش میکنید آتش گیران دوزخید قو لوالله الله تفلحوا رستمگاری شما در این است که بخدای یکتا گرائید و به پیغمبری محمد (ص) معتقد گردید و همت مقدس بر این گماشت که توجه مردم آن سرزمین را ابتدا بخدا پرستی و اعتقاد به بیگانه کتاب آسمانی خود یعنی قرآن کریم معطوف دارد .

کدام قرآن؟ همان قرآنی که با فصاحت و بلاغت ممتاز عبارات و الفاظ گنجینه نور تو حید فطری و متضمن آداب زندگی و سخنان پر از حکمت و تاریخ و سیاست بوده و بشر را با خلاق پسندیده سوق میدهد همان قرآنی که پیروان خود را تحریر به نشر دین مقدس اسلام در اقطار جهان و بذل مال و جان در راه آن نموده و مجاهدین و پیروان خود را بوعده دادن به بهشت عنبر سرشست چنان فدائی نمود که در اثر تاثیرات معجز آسای الفاظ دلفریب و معانی عجیب و روان بخش آن بطوری طبایع پر شور و حرارت مردم عربی زبان را که همواره در دیار خود معتاد به کارزار و وقوع در مخاطرات بودند بجنبش در آورد که چون بنات النعش گرداگرد آن بیگانه را در مرد آسمانی در آمده و در اثر نصرت و یاری آنحضرت و جاننشینان او در اندک زمانی سلطه ریاست دین مقدس اسلام و حتی زبان عربی را که زبان اصلی آن دین حنیف است در تمام اقطار جهان از مشرق تا مغرب گیتی از هند تا دریای محیط آتلانتیکی و از بحر

خزر گرفته تا آسیای صغیر و دریای روم و از کشور فرانسه تا آفریقا منتشر ساختند.

خلاصه تاریخ پیغمبر اسلام (ص)

پیغمبر اسلام (ص) بشر حیمکه در تاریخ روز تولد آنحضرت گذشت در سال ۵۷۱ قبل از میلاد مسیح در شهر مکه متولد گردید و چون پدر آنحضرت عبدالله قبل از تولدش وفات یافته بود تا سن هشت سالگی در تحت کفالت جدش عبدالمطلب میزیست و چون جدش وفات یافت عمویش ابوطالب کفالت زندگانی آنحضرت را بعهده گرفت و چون کار قبیله قریش در آنوقت تجارت بود ابوطالب نیز در آنوقت شغل بازرگانی داشته و بدین مناسبت محمد (ص) برادر زاده خود را در سن سیزده سالگی در معیت خود بسفر تجارت شام برد

در آنوقت آثار نجات و صفای ضمیر و هوش سرشار از سیمای آن سرور هویدا بود و چون قافله تجارت به بصری که از شهرهای قدیمی آن سامان و در نود کیلومتری دمشق واقع بود رسید در آنجا راهبی صومعه داشت که مشهور بزهد و تقوی بود و او را (بحیرا) میگفتند چون چشم آن راهب بر قیافه سر تاپاهوش و نجات حضرت محمد (ص) افتاد خیره خیره بوی نگاه کرده گفت عنقریب امر عجیبی از این جوان بروز خواهد کرد که آن از آن مشرق و مغرب را فرا خواهد گرفت و چون بسن بیست و پنج سالگی رسید بسمت امین خدیجه که از بزرگترین زنان قریش از حیث مال و ثروت و حسب و نسب بود بسوی شام بعنوان سفر تجارت حرکت کرده و در این سفر باسود سرشاری برگشت. این بود که خدیجه از آن حضرت خواستگاری کرده و پس از قبول آنحضرت بشرف همسریش نائل شد.

خدیجه برای پیغمبر اسلام (ص) همسر خوبی بود و گذشته از

شرافت خاندانی که داشت در راه پیشرفت مرام مقدس آنحضرت با اموال
بیکران خود فداکاریهای بی‌پایانی نمود.

در آن روزگار حضرت محمد (ص) جوانی بود بسیار نیکو خلق
و با عزت نفس و نسبت بقوم خود بایک دنیا تعصب و غیرت بود که بهیچوجه
اندک بدی در باره آنها روا نمیداشت و حتی نمیتوانست آنانرا گمراه و
سرگشته دروادی ضلالت و جهالت به بیند و چون خودش بمقتضای نیکی
فطرت که داشت در عین اینکه در بین آنگونه مردم سراپا گمراه، بسر
میبرد، عقیده متین و محکمی بخدای یگانه و عالم حشر داشت و از اینرو
همیشه روزگار خود را در فکر و ذکر و زهد و عبادت گذرانیده و مخصوصاً
چون سن مبارکش قریب به چهل رسید پیوسته متمایل بانزوا و عبادت خدای
یکتا بوده و اخیراً غار حراء را که در نزدیکی مکه بود برای این منظور
انتخاب فرمود.

بالاخره چون سن مبارکش به چهل سال کامل رسید در سال ششصد
وده بعد از میلاد روزی در غار حراء خوابیده بود که ناگهان فرشته روح الامین
بروی ظاهر گشته و آنحضرت را از جانب خدای تعالی مأمور بدعوت خلیف
بکلمه توحید و اعتقاد بعالم حشر و نشر نمود.

پیغمبر اسلام (ص) از غار حراء سر از زیر گشته تابند بیک خدیجه رسید
و چون قصه خود را با او در میان نهاد اول کسیکه از زنان با آنحضرت ایمان
آورد خدیجه و از مردان علی ابن ابیطالب (ع) بود که در آنوقت تقریباً
ده سال بیش نداشت و آنگاه زید بن حارثه بحضرتش با ابوبکر ایمان
آورده زنان سپس خود با یارانش مردم را بدین خدا دعوت میکردند تا
رفته رفته عثمان ابن عفان و زبیر ابن عوام و عبدالرحمن ابن عوف و سعد بن

ابی وقاص وطلحه ابن عبیدالله که همگی از صنادید قریش بودند ایمان آوردند.

مدت سه سال بر این منوال بگذشت و پیغمبر (ص) در این مدت مخفیانه دعوت می کرد تا عده پیروان آن حضرت بچهل نفر رسید آنگاه حضرت آشکارا شروع بدعوت نموده بموجب کریمه و انذر عشیرتک الاقرین ابتدا بدعوت اقوام و نزدیکان خود پرداخت ولی آنان علاوه بر این که دعوت آنحضرت را اجابت نکردند شروع بکارشکنی نموده باتمام قوا به ازین بردن پیغمبر و دین آنحضرت کمر بستند و علت این مخالفت یکی این بود که چون آنان رؤساء عرب بودند ترسیدند که اگر دین آنحضرت را بپذیرند تمام عرب بر علیه آنها قیام نموده و در نتیجه مالالتجاره آنان تحریم شده و کالاهائی هم بآنها در بازار ن فروشند. علت دیگر که از این مهتر بود آنکه مذاط بزرگواری و شرافت در دوران جاهلیت (مانند امروز) زیادتی مال بود و چون آنحضرت شخصاً بضاعتی نداشت تعصب جاهلیت بآنها اجازه نمیداد که آنحضرت را بر خود برگزینند وزیر بار ریاست و بزرگواری آنسرور بروند این بود که غالب مخالفین آنحضرت طبقه اشراف و ثروتمندان قریش بودند ولی در عین حال عده از آنان که بیشتر بحضرتش نزدیک بودند همانند ابوطالب و غیره کمر به حمایتش بستند.

مدت سه سال بدین منوال گذشت و بعضی از یاران آنحضرت در مکه از نخست دوچار شکمجه کفار قریش گردیدند لذا حضرت آنانرا که در مکه بیشتر بی باور بودند دستور هجرت بجاناب حبشه فرمود و در پیرو آن جمعی که از جمله آنها جعفر طیار بود بجاناب حبشه مهاجرت نمودند که بعضی از این عده قبل از هجرت آنحضرت بمدینه و بعضی دیگر در سال هفتم هجرت از

حیثه بازگشتند در این بینها عموی پیغمبر (ص) ابوطالب و همسرش خدیجه که دور کن رکین برای حمایت آنحضرت پس از خدای متعال بودند بعد از بیست و پنجسال زناشویی با خدیجه وفات یافتند.

فوت ابوطالب و خدیجه برای پیغمبر (ص) بسیار گران تمام شد و در واقع بامرک آنها دو حامی بزرگ پیغمبر (ص) از دست رفت ولی در عین حال پیغمبر (ص) پس از فوت آنها از پای ننشست و کمترین سستی در عزم راسخ آنحضرت دست نداد بلکه پیوسته در بازارهای عمومی و مراکز جمعیت بود و در مواقع حج و در میان قبایل عرب میرفت و آنانرا آشکارا بدین فطری توحید و ترک پرستش بتها و ستارگان دعوت میفرمود و در این راه آزارها از دست وزبان آنان تحمل مینمود.

قمار بازی و شرابخواری را تحریم و آن مردم را از زنده بگور کردن دختران باز میداشت و بطور کلی با تمام مراسم اخلاق ناپسندیده مردم جاهلیت با کمال شهادت مبارزه میفرمود. در این بین شش نفر از اهل مدینه که بمکه آمده و از قبیله خزرج بودند با آنحضرت برخورد نموده و در اولین ملاقات مجذوب بیانات شیرین و سخنان نمکین آنحضرت گشته بآن سرور ایمان آوردند و آنان نیز چون بقوم خود برگشتند عده ای را تبلیغ نموده و نفرات زیادی را وارد دین اسلام کردند.

چون سال دیگر شد دوازده نفر از قبیله اوس و خزرج بمکه رسیده و با آنحضرت بر دین اسلام بیعت نمودند پیغمبر (ص) مصعب ابن عمیر را همراه آنان برای تبلیغ بمدینه فرستاد که قرآن و شعائر اسلام را بآنان بیاموزد این بود که دین اسلام رفته رفته قدری در مدینه پراکنده گشت که خانه نبود که صحبت از پیغمبر اسلام ص و قرآن کریم در آن نباشد بطوریکه در سال سوم ۷۳ در وزن از مدینه بمکه آمده و حضور پیغمبر (ص) تشریف حاصل نمودند

و بآن حضرت بیعت کردند که با ایمان راسخ بآنحضرت از خود آن سرور و دین اسلام بمشابه دفاع از مال و جان و ناموس خود دفاع نمایند از این جهت چون آنها بمدینه برگشتند پیغمبر (ص) نیز با اصحاب هازم هجرت بمدینه گشت .

قریش چون چنین دیدند از ترس اینکه مبادا پیغمبر (ص) در مدینه نیرومند گشته بآنها حمله ور شود و در خانه های خودشان آنرا با ~~بسی~~ اعمال رساند تصمیم گرفتند آنحضرت را پیش از هجرت بقتل رسانند این بود که حضرت در سال ششصد و بیست و دوم میلادی مخفیانه بمدینه هجرت فرمود و اصحاب آنحضرت نیز در پی آنحضرت تدریجا از مکه بمدینه رفتند و از این جهت آنان را خداوند در قرآن مهاجرین و اهل مدینه را که یاری پیغمبر (ص) میکردند انصار خوانده است .

پیغمبر (ص) در مدینه بین هر يك نفر از مهاجرین بسا یکنفر از انصار برادری انداخت و چون پیروانش زیاد گشتند مردم را بدین خود با کمال آزادی دعوت میفرمود و چون دعوتش را نمی پذیرفتند و مخالفت با پیشرفت مرام مقدسش میکردند با امر خداوند باشمشیر مخالفین را که بمنزله گیاهان هرزه در گلستان عالم بشریت بودند برای اینکه میکروبشان بسایر گلها و ریاحین پاك آن گلستان سرایت نکند از بین بر میداشت

پس استعمال اسلحه از طرف آنحضرت در مقابل مخالفین نه برای اقباط قلدری بود بلکه چون هدف مقدس آنحضرت نشر فضائل اخلاق در عالم بشریت با انتشار دین اسلام بود و مخالفین از آن ممانع بودند از اینجهت بحکم اضطرار و آیه « فاستقم كما امرت » چاره جز استعمال اسلحه ندیدند از اینجهت علی ابن ابیطالب (ع) که مامور از طرف آنحضرت برای کشتن عمرو بن عبدود آن یکتا دشمن اسلام گشت، چون برای کشتن عمرو بر

سینه‌اش نشست و عمرو از خشم آب دهان بروی حضرتش انداخت فورا
برخواست و پس از قدری مکث مجدداً برای انجام ماهوریت بر سینه عمرو نشست
و چون عمرو از سبب آن پرسید حضرت فرمود چون آن عمل ناشایست از تو
سرزد و من خشمناک شدم اگر در آنوقت تو را میکشتم برای خاموش
کردن آتش انتقام خودم بود از اینجهت برخواستم چون آتش خشمم فرو نشست
باز آمدم تا تو را تنها برای رضای خدا کشته باشم.

بالاخره پیغمبر اسلام (ص) روی این اصل دو بیست و هفت غزوه
بنفس نفیس حرکت فرمود که در ۹ غزوه از آنها جنگ بسوقوع پیوست
و چهل و هشت مرتبه هم لشکر بان اسلام را بر سرداری دیگران از مدینه بیرون
فرستاد که بدون وقوع جنگ برگشتند که این قسمت را مورخین
سریه و قسمت اول را غزوه نامیده‌اند.

(تاریخ قرآن)

پس از آنکه مجمعی از تاریخ زندگانی پیغمبر دانسته شد اینک سخن
در اول نزول آیه قرآن است: ابتدای نزول قرآن مطابق نص خود قرآن
که میفرماید (انا انزلناه فی لیلۃ القدر) (یعنی ما که پروردگاریم قرآن
را در شب قدر نازل ساختیم) در شب قدر بوده است و هوید آن اینست که
در سوره دخان میفرماید انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة (ما نازل ساختیم قرآن
را در شبی با برکت) که منظور از آن همان شب قدر است زیرا که بعدا
میفرماید «فیهای فرق کل امر حکیم» (در آنشب مبارک هر امر محکم و مقدری
جدا جدا شده و امور مترکمه از هم ممتاز میگردد) و این معنی تقریباً مرادف
است با آیه سوره قدر که فرموده است *تفزل العلیکة و الروح فیها*
باذن ربهم من کل امر «یعنی ملائکه با روح الامین برای هر امری
یعنی جهت تقدیر امورات در شب قدر نازل میشود»

اگر چه در تعیین شب قدر و اینکه در چه ماهی بوده است اختلاف بسیار است ولی آنچه مسلم است آنستکه در ماه مبارک رمضان بوده و می باشد زیرا در سوره بقره است که (شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن) یعنی ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده یعنی ابتدای نزول قرآن در آن بوده است (زیرا اگر از این قید صرف نظر کنیم میتوان گفت در غیر از ماه رمضان هم بسیار بود که بعضی از آیات قرآن بر پیغمبر (ص) نازل میشد) ولی در اینکه کدام يك از شبهای ماه رمضان شب قدر و ابتدای نزول قرآن بوده است بین اصحاب و علمای اهل سنت اختلاف بسیار است علمای شیعه شب بیست و سوم رمضان را شب قدر میدانند و اهل سنت بعضی شب بیست و هفتم و بعضی دیگر شب هفدهم را شب قدر دانسته و همانز ابتدای نزول قرآن گرفته اند استدلال علمای شیعه یکی بروایت جهنی است که چون از حضرت رسول بهترین شبها را در سال برای درك زیارت آنسرو خواست که از خاراج مدینه با حشم و خدم بآن شهر رهسپار گردد حضرت شب بیست و سوم رمضان را تعیین فرمود و همچنین روایات دیگری که در کتب اخبار شیعه در این باب بنظر رسیده است.

اهل سنت را نیز دلیل اینست که در سوره انفال روز روبرو شدن مسلمانان و اهل اشرك را در بدر که مسلما در روز هفدهم رمضان بوده است به **يوم التقي الجمعان** تعبیر شده و آن بموجب جمله قبلی آیه که فرموده است :

« ان كنتم امةم بالله وبما انزلنا على عبدنا يوم الفرقان »
 روز نزول قرآن بوده است ولی این استدلال را میتوان مردود دانست باینکه « يوم الفرقان يوم التقي الجمعان » فرموده است نه ليلة يوم الفرقان ليلة يوم التقي الجمعان و روز هفدهم ربطی بشب رمضان ندارد مگر

اینکه بگویند این جماعه حذف شده و مقصود همان لیلۃ یوم النرقان و لیلۃ یوم النبی الجمعان است و آیه سوره قد و سوره دخان که به موجب آن دو آیه آغاز نزول قرآن در شب تشخیص داده شده است نیز قرینه آن میباشد و مؤید این معنی را روایتی بدانند که از حضرت امام حسن (ع) در این باب رسیده و طبری نیز آنرا در تفسیر خود نقل کرده است

اشکالی که بر عقیده باینکه ابتدای نزول قرآن بشرحیکه گذشت شب قدر بوده وارد است، اینست که بنا بر مشهور در روز بعثت حضرت رسول (ص) که روز بیست و هفتم یا بیست و پنجم رجب بوده است سوره اقرء نازل گشته و بنا بر این چگونگی نمیتوان اول نزول قرآن را در ماه مبارک رمضان و شب قدر دانست جواب این اشکال مطابق اخبار و روایاتی که در این باره رسیده آنستکه که گاهی منظور از نزول قرآن نزول آن از عالم ربوبی بلوح محفوظ و گاهی نزول آن از لوح محفوظ بقلب رسول (ص) میتواند بود و در این صورت منافات ندارد که در لیلۃ قدر قرآن از عالم ربوبی بلوح محفوظ یا بقلب رسول (ص) و یا از لوح محفوظ بوسیله روح الامین بقلب پیغمبر (ص) نازل شده باشد و در روز بیست و هفتم یا بیست و پنجم رجب در ساعت بعثت پیغمبر (ص) از قلب آن حضرت بزبان جاری گشته. و ممکن است مقصود از نزول اولین آیه در روز بعثت نزول آن در یوم مبعث سری حضرت رسول (ص) و دعوت سری آنحضرت بوده و مقصود از نزول آن در لیلۃ مبارکه نزول قرآن در موقع ماموریت پیغمبر (ص) بدعوت آشکار باشد. زیرا پیغمبر (ص) پس از روز غار حراء بنا بر عقیده محققین سه سال بدعوت پنهان مامور بود و بعداً بطور آشکارا بامر الهی شروع بدعوت نمود. بنا بر این نباید اصرار داشت باینکه حتماً روز مبعث حضرت رسول (ص) روز قدر بوده است.

اولین آیه یا سوره قرآن که بر پیغمبر اسلام (ص) نازل گشت
در اولین سوره یا آیه که بر پیغمبر اسلام (ص) از قرآن نازل شد بین
علمای تفسیر و مورخین قرآن مجید اختلاف است :
بعضی گفته اند اولین چیزی که از قرآن بر پیغمبر (ص) نازل گردید کریمه
یا ایها المدثر الخ بوده و بعضی گفته اند اولین سوره که بر پیغمبر (ص)
نازل شد سوره فاتحة الكتاب (الحمد) بود. مؤید این عقیده روایت از
ابی مشر از عمر بن شرجیل است که گفت پیغمبر (ص) بخدیجه فرمود من
هر وقت تنهامی مانم صدای از غیب بگو شم میرسد که ای محمد خداوند جز خیر
بتو ندهد بخدا سوگند تو مردی امانت دار و پیوسته راستگو بوده و در
صله رحم پا بر جایی خدیجه چون این سخن از پیغمبر (ص) شنید او را
نزد پسر عموی خود ورقه ابن نوفل که مردی صالح خورده و از علمای نصارا
بود برد چون پیغمبر (ص) ماجرا را برای ورقه نقل فرمود ورقه گفت ایندفعه
که در خلوت ماندی چون صدای شنیدی خراب گوش فراده که آنچه
آن گوینده میگوید نیک ضبط کنی آنگاه نزد من آمده و صورت حال را
اعلام کن .

روز دیگر که حالت خلوت پیغمبر (ص) دست داد چون خوب
گوش فراداد شنید که منادی غیبی ندا داد یا محمد (ص) بگو « بسم الله الرحمن
الرحیم الحمد لله رب العالمین تا و لا الضالین » آنگاه گفت قل لا اله
الا الله ایندفعه حضرت نزد ورقه تشریف فرما گشته و ورقه را از صورت
حال خبر داد . ورقه گفت ای محمد (ص) تو را بشارت که من شهادت
میدهم که تو همان کسی هستی که عیسی ابن مریم بشارت مقدمش را داده
است توئی ناموس موسی تو پیغمبر مرسلی تو را خداوند جهان در آینده
نزد یکی مأمور بجهاد خواهد فرمود در این بدیهی است که اگر من زنده بمانم در

رکاب توجهاه خواهم نمود، و چون ورقه وفات یافت پیغمبر (ص) فرمود
ورقه را در بهشت دیدم که بعلم آنکه بمن ایمان آورد لباسهای حریر
بهشتی در برداشت و در بهشت میخرامید.

ولی با اینهمه بطوریکه در تفسیر مجمع البیان وارد است اکثر
مفسرین راعقیده این است که اول چیزیکه از قرآن بر پیغمبر (ص)
نازل گشت پنج آیه اول از سوره اقرء باسم ربك الذی خلق بترتیب بوده
است که در اولین روزیکه جبرئیل بر پیغمبر (ص) نزول نموده و آنحضرت
در غار حراء بودند بر آنحضرت نازل شد.

مژید این است آنچه محمد ابن اسحاق معروف به ابن ابی یعقوب
ندیم در الفهرست خود به پنج واسطه از محمد ابن حسان ابن بشیر
زهری و ابو عبیده در کتاب فضائل القرآن از مجاهد و ابن اشته در کتاب
خصائص از عبد الله بن عمیر روایت کرده است که اولین چیزیکه از قرآن
بر پیغمبر (ص) نازل شد پنج آیه اول از سوره اقرء بوده است.

و هم در حدیث دیگر است که پیغمبر «ص» در غار حراء بود که نمطی از دیباچه
حضرتش نازل گشت که در آن سوره اقرء تا پنجمین آیه «علم الانسان ما لم يعلم»
بقلم قدرت نوشته بود و در حدیث دیگر نیز چنین ذکر شده که پیغمبر «ص»
فرمود قبل از بعثت پیوسته من میل بخلوت با خدا داشتم و از این لحاظ غالباً
در غار حراء باخدای تعالی خلوت مینمودم تا روزی ملکی را مقابل خود
بصورت مهبی مجسم دیدم که بمن گفت بخوان گفتم خواندن نتوانم
آنگاه مرا در دست گرفت و فشار طاق فرسائی داد و سپس مرا رها کرد.
باز تکلیف خواندن کرد چون همان پاسخ را شنید باز دست مرا گرفته
بفشار دود گر باره مرا رها کرده و تکلیف خواندن نمود چون باز همان جواب
را شنید باز هم مرا در دست گرفته چنان بفشارد که طاق از دست برفت آنگاه

دگر باره مر ازها نموده گفت اقرء باسم ربك الذی خالقنا علم الانسان ما لم یعلم پس خلاصه سخن در این مقام اینست که اول چیزیکه بر پیغمبر اسلام (ص) از قرآن نازل گشت بین پنج آیه از سوره اقرء و سوره الحمد و یا ایها المدثر دور میزند و در بعضی احادیث که مشعر به پنج آیه اول اقرء است ن والقلم نیز ضمیمه شده .

علمت این اختلافات گویا این است که پس از نزول آیات اقرء بنا بر بسیاری از احادیث سه سال وحی از حضرت رسول (ص) منقطع گشت بنابراین ممکن است سوره حمد پس از آن سه سال اولین سوره نازله بر پیغمبر (ص) بوده باشد و سوره اقرء در اول بعثت قبل از آن سه سال بشر حیکه مرقوم گشت بر حضرتش نازل گردیده و یا ایها المدثر هم پس از اقرء چنانچه در بسیاری از احادیث است که پیغمبر (ص) پس از نزول سوره اقرء باحالتی لرزان از غار حراء سرازیر گشت و بحجره خدیجه تشریف فرما شده فرمود دثرونی - دثرونی یعنی مرا بادئار که جامه مانند پتویا گلیم است بپوشانید و چون در زیر آن جامه شد باز ندای غیبی بگوشش رسید « یا ایها المدثر قم فانذر » یعنی ای جامه بر خود پیچیده بر خیز و گمراهان را از عذاب الهی بیم ده علیهذا باید گفت منظور از اینکه اول آیه نازله بر پیغمبر (ص) یا ایها المدثر است اولیت عرفی است و اولیت سوره اقرء حقیقی محسوب میشود. در پایان این بحث متذکر میشود که پس از سه سال ناهمیده که در کتب تواریخ دوره فترت نزول قرآن نامیده می شود آیات قرآنی بفواصل و در هر مرتبه يك یا چند آیه طبق اقتضاء مناسبات مختلفه بطوریکه در سبب نزول هر آیه در کتب تفسیر ذکر شده است قرآن بر پیغمبر (ص) نازل گشت و ای در عین حال مطابق احادیثی که در این باب رسیده است بعضی از سوره های قرآن نیز مانند سوره فاتحه -

توحید - کوثر - تبت - لم یکن - المرسلات یکجا بر پیغمبر (ص) نازل شده است .

در بین سوره هائی که آیات آنها بطور متفرق بر پیغمبر نازل یافت از جمله سوره مؤمنین است که ده آیه آن یکجا بر پیغمبر (ص) نازل شد و از جمله سوره اقرء است که از اول تا جمله ما لم یعلم یکدفعه نزل یافت و همچنین است سوره والضحی که تا جمله (فترضی) یکدفعه نازل شده است و از طرف دیگر بصحت پیوسته است که جمله « غیر اولی الضرر که بعضی از آیه « لایستوی القاعدون » میباشد مستقلا بر پیغمبر (ص) نازل شده مانند جمله « فان ختمت عیلة فسوف یغنیکم الله من فضله » ان الله علیم حکیم » که پس از نزول اول آن بوده است پس خلاصه کلام در این مقام نیز آنست که قرآن بطور تدریج بر پیغمبر (ص) نزل یافته است انتها طبق شرحیکه مرقوم گشت گاهی یک سوره و گاهی یک آیه و گاهی چند آیه نازل میشد و سرش هم این بود که این موضوع موجب تکرار نزول نوروحی و اشراق آن بردل حضرت رسول (ص) و در نتیجه تثبیت و تقریر اشراقات انوار الهیه در قلب مبارک آن سرور میگذشته است و این بمراتب بهتر از این است که تمام قرآن یکدفعه بر حضرتش نازل میشد زیرا در این صورت جز یک اشراق وجود نداشت چنانچه این معنی از خود قرآن استفاده میشود در آنجا که فرموده است :

« وقال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جملة واحدة کذالك لثبیت به فتوادک ورتلناه ترتیلا » .

یعنی کافران بزبان اعتراض گفتند چرا قرآن یکدفعه بر پیغمبر نازل نشد نزول این چنین برای آنست که دل تورا ای پیغمبر (ص) استوار نموده و قرآن را بهمین منظور تدریجا و شمرده و شمرده نازل ساخته و

خواندنش را قرارداده ایم. و این معنی منافات با آیت « انا انزلناه فی لیلة مبارکه » (ما نازل ساختیم قرآن را در شب با برکت و یسا شهر « رمضان الذی انزل فیہ القرآن » که بظاهر چنین میفهماند قرآن یکدفعه بر پیغمبر (ص) نازل شد ندارد زیرا لفظ قرآن را هم بربك آیه از آن وهم بکل قرآن میتوان اطلاق نمود مانند لفظ آب که هم بتمام آبهای دریاها و اقیانوس های جهان وهم بربك قطره میتوان اطلاق نمود .

گذشته از این نیز میتوان گفت که روح قرآن و مقاصد کلیه آن دفعة واحدة بر پیغمبر (ص) نازل گشته است چنانچه فرموده است نزل به الروح الامین علی قلبك و بر لسان آنسرور تدریجا و بمقتضیات احوال در سنواتی جاری گشته و از عالم عین و ذهن بجهان الفاظ و عبارات ظاهر شد چنانچه فرموده است. و قراننا قرآنا و قرآنا قرآنا علی الناس علی حکمت و نزلناه تنزیلا یعنی قرآن را ما جدا ساختیم تا آنرا تدریجا بر مردم بخوانی و آنرا بطور مؤکد نازل نمودیم .

(اوقات نزول قرآن)

اوقات نزول قرآن بدو قسمت تقسیم شده است قسمت اول قبل از هجرت پیغمبر (ص) در مکه و قسمت دوم پس از هجرت پیغمبر (ص) در مدینه بوده است قسمت اول در مدت دوازده سال و پنج ماه و سیزده روز از ۱۷ رمضان سال چهل و یک قبل از میلاد رسول (ص) تا اول ربیع الاول سال ۴ از میلاد آنسرور بوده است و قسمت دوم پس از هجرت تا زمان وفات آنحضرت در مدینه نازل گشت آیات و سوره هائی را که در مکه نازل شده است مکی و آیات و سوره های که در مدینه نازل شده است مدنی نامند و بقراریکه ابوالحسن ابن حصار در کتاب الناسخ و المنسوخ ذکر کرده

است سوره های مدنی قرآن که مورد اتفاق است ۲۰ سوره می باشد
از اینقرار :

(۱) سوره بقره (۲) سوره آل عمران (۳) سوره نساء (۴)
سوره مائده (۵) سوره انفال (۶) سوره توبه (۷) سوره نور (۸) سوره
احزاب (۹) سوره محمد (ص) (۱۰) سوره الفتح (۱۱) سوره حجرت
(۱۲) سوره حدید (۱۳) هجرت (۱۴) سوره حشر (۱۵) سوره ممتحنه
(۱۶) سوره جمعه (۱۷) سوره منافقون (۱۸) سوره طلاق (۱۹) سوره
تحریم (۲۰) سوره اذا جاء نصر اللہ و اللغو بکر ابن انباری که از علمای تفسیر
قرآن و علم الحدیث است نیز غیر از سوره انفال سوره های فوق الذکر را مدنی
ذکر مینماید و همچنین ابو عبیده نویسنده کتاب فضائل القرآن سوره
های نامبرده را غیر از سوره حجرات و جمعه و منافقون مدنی میدانند
که کما اینکه محمد بن اسحاق نیز با تکیه روایت محمد بن نعمان ابن بشیر
که در بحث اولین سوره یا آیه که بر پیغمبر (ص) نازل شد گذشت سوره
های نامبرده را غیر از احزاب مدنی میداند بنا بر این میتوان گفت سوره های
مدنی که مورد اتفاق بین چهار نفر اخیر الذکر است پانزده سوره از
سوره های بیست گانه مزبور میباشد و پنج سوره بقیه که عبارت از سوره
های انفال - حجرات - جمعه - منافقین - احزاب است مورد اختلاف
بین آنان میباشد بدین معنی که ابن انباری احزاب - و ابو عبیده -
حجرات - و جمعه - و منافقین و محمد ابن اسحاق سوره احزاب را مکی
میدانند و باقی سوره های قرآنی غیر از بیست سوره گذشته بالاتفاق مکی است
ولی در عین حال باید دانست که دسته از علماء و دانشمندان این فن بعضی
از آیات سوره های مکی را مدنی و بعضی از آیه های سوره های مدنی را

مکی میدانند که شرح این قسمت نیز در بعضی از کتب تفسیر و حواشی قرآنها که این موضوعات را متذکرند مذکور میباشد .
(پیغمبر اسلام (ص) آیات قرآن را پس از نزول برای صحابه میخواند)

پیغمبر اسلام (ص) از آنجا که مردی امی بود و بشهادت تواریخ صحیح و متن قرآن خواندن و نوشتن نمیدانست (۱)

از این جهت آن حضرت آیاتی را که از قرآن نازل میشد پس از نزول بپر جسته گان صحابه خود که صلاحیت آنرا داشتند مانند علی ابن ابیطالب (ع) و عبدالله ابن مسعود (رض) و غیرهما میخواند که آنان آیات نازله را حفظ و ضبط نمایند و در نتیجه قرآن مانند کتب عهد عتیق و جدید دوچار اختلاف نشود چنانچه بخاری در صحیح خود که از کتب معتبره اهل سنت است ذکر کرده که در زمان حضرت رسول (ص) عمر از حشام ابن حکم شنید که سوره فرقان را طوری تلاوت نمود که برخلاف آن بود که او از حضرت رسول (ص) شنیده بود وی را گفت این چه نحو قرائت بود که کردی پاسخ داد این قرائت را من از خود پیغمبر (ص) آموخته ام گفت آنچه را که پیغمبر ص با من آموخت غیر از این است که تو خواندی بالاخره نزد پیغمبر (ص) آمده و ماجرا را طرح نمودند پیغمبر (ص)

(چنانچه در سوره اعراف آمده که الذین یتبعون الرسول المبینی الامی السدی بجد و نه مکتوبا عندهم فی التوراة و الا انجیل)
یعنی آنانکه این پیغمبر بیسواد که علامش را در تورا و انجیل یافته اند پیروی مینمایند و در سوره عنکبوت است که و ما کنت تلوون من قبله من کتاب ولا تحطه بیمینک اذا لارتاب المبطون یعنی ای پیغمبر (ص) تو قبل از قرآن کتابی نخواندی و خط نوشتی چه اگر غیر از این بود باطل کنندگان و دشمنان تو در باره ات بشک می افتادند)

هر دو را تصدیق فرموده و فرمودند بهر دو نحو بر من نازل شده است
ان هذا القرآن انزل علی سبعة احرف فاقرئوا ما تيسر منه یعنی این
قرآن بر هفت نحو نازل شده است پس آنکه برای شما میسر و آسان
است همانرا بخوانید و در روایت دیگر از شقیق ابن سلمه روایت شده
است که گفت عبدالله بن مسعود ما را خطاب کرده گفت بخدا قسم من از
دهان پیغمبر (ص) ۷۹ سوره از قرآن فرا گرفته و بخدا سوگند که اصحاب
رسول (ص) میدانند که من در عین اینکه خود را بهتر از سایرین نمیدانم
بعلم قرآن از آنها داناترم و همچنین فقیه بزرگ عالم تشیع مرحوم
شیخ طوسی رض در کتاب امالی خود ذکر کرده است که ابن مسعود
هفتاد سوره از قرآن را از پیغمبر (ص) و مابقی را از علی ابن ابی طالب (ع)
که بموجب اهل الیث ادری بما فی البیت بعد از رسول اکرم (ص)
داناترین کس معلوم قرآن بود فرا گرفت و همچنین در کتاب مستدرک
از ابن مسعود روایت شده که من با پیغمبر (ص) در غار بودم که
سوره والمرسلات نازل گشت و من آن را از دهان پیغمبر (ص)
هماندم گرفتم و نیز ابو عبیده در کتاب فضائل القرآن و همچنین ابن جریر
و ابن منذر و ابن مردویه از عمر ابن عامر انصاری روایت کرده اند که عمر آیه
(والسا بقون الاولون من المهاجرین والانصار الذین اتبعوهم
باحسان) را به رفع انصار خواند و او الذون را نیز ذکر نکرد
زید ابن ثابت گفت ای عمر بایستی والانصار الذون اتبعوهم باحسان
بلاوا بخوانی عمر آن را انکار نمود و کار آنها بمباحثه و محاکمه
نزد ابی ابن کعب کشید .

ابی ابن کعب حق را به زید ابن ثابت داد و گفت قسم بخدا
ای عمر آن وقتی که تو گندم فروشی میکردی من نزد پیغمبر (ص) قرآن

کتابخانه کل اوقاف
شماره ۱۰۰۰

می آموختم و این آیه را آن حضرت برای من همین طور خواند و نیز در صحیح بخاری وارد شده که پیغمبر (ص) بآبی این کعب فرمود خداوند به من وحی فرستاده که قرآن را بر تو بخوانم عرض کرد یا رسول الله آیا خداوند نام مرا برده است فرمود آری چون آبی این کعب این را شنید چشمش روشن گشته و درهم شکفت و از همین جا این موضوع شهرت یافت که پیغمبر ص پیاره از اصحاب فرمود آبی اقرانکم یعنی قرائت آبی این کعب از شماها بهتر است .

بهر حال این جمله روایات همگی دلیل بر اینست که سیره پیغمبر اسلام ص بر این جاری بود که آیات قرآنی را که بر حضرتش نازل میشد برای بعضی از صحابه که مطابق بسیاری از روایات فریقین سر آمد آنها حضرت علی ابن ابی طالب ع بود میخواندند و همت شریفشان بر این بود که صحابه قرآن را حتی باون اینکه يك واوی در آن زیاد یا از آن کسر کنند حفظ نمایند تا قرآن بطوریکه نازل گشته همانطور محفوظ و مضبوط مانده و دوچار کمترین اختلاف نگردد .

تشریح حدیث سبعة احرف

چون در ضمن مطالب گذشته سخن از این حدیث بمیان آمد که از پیغمبر ص روایت شده که ان هذا القرآن انزل علی سبعة احرف یعنی همانا این قرآن بر هفت حرف نازل شده است و ممکن است بعضی این موضوع را بر وجود اختلاف در قرآن مجید حمل نموده و آنرا منافی آیه لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیة اختلافا کثیرا یعنی هر گاه این قرآن از طرف غیر خدا بود همانا اختلاف زیاد در آن یافت میشد بدانند لذا در مقام توضیح و تشریح این مطلب گفته میشود :



اولا بطوریکه ملاحظه شد حدیث مزبور از اهل سنت روایت شده است و بقرار شرحیکه در باب «حرف» در کتاب مجمع البحرین ذکر شده است در ضمن حدیثی امام ۴ میفرماید کذب اعداء الله ما نزل القرآن الا بحرف واحد من عند واحد یعنی دشمنان خدا دروغ گفتند قرآن از نزدیک خداوند تنها بیک حرف نازل شده است و موضوع استشهاد ما هم در گذشته این قسمت از حدیث که بموجب روایت مجمع البحرین ممکن است مجعول باشد نبوده است ولی در عین حال خود آنان نیز چون با مفهوم حدیث که بظاهر مشعر بمخالفت و مغایرت آن با آیه شریفه لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا میباشند موافقتی ندارند از اینجهت برای حدیث نامبرده توجیهاتی نموده اند که بقرار زیر است :

(۱) بعضی گفته اند مقصود از (۱ حرف) در حدیث مزبور اقسام اعراب قرآن است .

(۲) بعضی دیگر گفته اند مقصود کیفیات مختلفه و قرائت های گوناگونی است که در قرآن وارد است مثل اینکه میگویند فلانکس بحرف این مسعود قرآن میخواند یعنی بقرائت ابن مسعود .

(۳) ابی عبیده گوید مقصود از سبعة احرف لغات مختلفه عرب است که بعضی قرآن را بلغت هذیل و بعضی بلغت هوازن و بعضی بلغت یمن میخواندند و مؤید این نظر سخن عبدالله ابن مسعود است که گفته : من قرآن را از خوانندگان مختلف شنیده و همه را نزدیک بهم یافتم بنا براین همانطور که آن را فرا گرفته اید میتوانید بخوانید مثل اینکه در مقام گفتن (یا) بعربی بعضی گویند هلم بعضی دیگر گویند تعال و

بعضی دیگر بلفظ ویژه خود گویند اقبل و همه آنها صحیح است چنانچه اعمش از انس ابن مالک روایت کرده است که آیه (ان ناشة اللیل هی اشد و طنا و اقوم قیلا را بجای اقوم قیلا اصوب قیلا خواند و چون بعضی از حضار باو گفتند که ای ابا حمزه تو می بایستی ذیل آیه را (اقوم قیلا) خوانده باشی گفت چه اقوم و چه اصوب و چه اهدی - خوانده شود همه صحیح است .

(۴) محمد ابن عبدالکریم شهرستانی در تفسیر خود گفته است که مقصود از سبعة احرف جهاتی است که قرائت قرآن محتمل آنهاست از قبیل اماله - اشمام - ادغام - و مانند اینها. پیغمبر اسلام و هم چنین قاطبه صحابه آنحضرت عنایت خاصی بحفظ و ضبط آنچه از قرآن نازل میشد داشتند و صحابه پیغمبر ص هر کدام آیه از قرآن را که از حضرت رسول ص فرامی گرفتند بقدری خدمتش مکرر رفت و آمد کرده و آن آیه را می خواندند و پیاپی از حضرتش سؤال میکردند که آیا درست همانطوریکه نازل شده است حفظ کردم یا نه ؟ تا یقین بحفظ آن می نمودند چنانچه حافظ ذهبی در کتاب تذکرة الحافظ از خارجه ابن زید و او از پدرش روایت کرده است که من در موقعیکه پیغمبر ص در مدینه وارد شد هفده سوره از قرآن را خوانده بودم که وقتی بر پیغمبر ص خواندم تعجب فرمودند و بمن فرمودند ای زید خط نویسی را نیز از یهود بیاموز که من از ارجاع نوشتجات خود بآنان ایمن نیستم. منهنم در مدت نصف ماه خط نوشتن را بخوبی فرا گرفتم. صحابه پس از حفظ و ضبط قرآن بطریقیکه ذکر شد آنچه را حفظ و ضبط کرده بودند باطفال و خاندان خود و کسی که در هنگام نزول قرآن از اهل مکه یا مردمان اطراف

مدینه حضور نداشتند می آموختند و در نتیجه پس از گذشتن یکی دو روز آنچه نازل شده بود در سینه بسیاری محفوظ و مضبوط میگردید و آنها نیز پس از آموختن غالباً حضور پیغمبر ص مانند اطفالیکه درس خود را پس دهند رفت و آمد کرده و آنچه حفظ کرده بودند مکرر می خواندند تا یقین حاصل کنند که همان طور که از سوی خدای متعال نازل شده آنرا حفظ و ضبط کرده اند.

چنانچه ابن مسعود گوید وقتی پیغمبر ص بمن فرمود از قرآن آنچه حفظ کردی در نزد من بخوان من بخواندن سوره نساء شروع کردم و چون بآیه شریفه فکیف اذا جئنا من کل امته بشهید و جئناک علی هولاء شهیدا رسیدم دیدم چشمان پیغمبر ص پر از اشک شده فرمود تا همین جا فعلا کافی است، و بدین ترتیب حفظ کنندگان و حافظین قرآن از مهاجر و انصار بسیار گشتند.

چنانچه ابو عبیده در کتاب القراءات خود بسیاری از آنها را نام برده است که از آن جمله از مهاجرین عبدالله بن عباس و طلحة و سعد و ابن مسعود و حقیقه و سالم و عبدالله بن سالم و از انصار عبدالله بن صامت و معاذ مکنی به ابو حلیمه و مجمع ابن جاریه و قضائة ابن عبیده و مسلمة ابن مخلد میباشند و پیغمبر ص هر کس از مکه بمدینه مهاجرت میکرد او را بیکی از حفاظ قرآن می سپرد که بوی قرآن بیاموزد تا آنکه در غزوه چاه معونه هفتاد نفر از حفظ کننده گان قرآن شهید شدند.

در زمان پیغمبر ص نویسندگانی که باهر آنسرور

قرآن را می نوشتند چه کسانی بودند؟

در زمان حضرت رسول ص عده از صحابه بودند که آنها را کتاب وحی میگفتند که

آنان بدستور پیغمبر ص کلیه آیاتی که بر آن حضرت از قرآن نازل میشد؛ به خط
نسخ می نوشتند که معروفترین آنان حضرت علی ابن ابی طالب
ع.ا.به السلام و زید ابن ثابت و عامر ابن فهیده و عبدالله ابن ارقم و
عبدالله ابن رواحه و عبدالله ابن سعد و ابی ابن کعب و ثابت ابن
قیس و حنظله ابن ربیع و شرحبیل ابن حسنہ و عطاء ابن حضرمی و
خالد ابن ولید و یحییٰ ابن ابی فاطمه و دوسری و حذیفه ابن یمان و
حویطب ابن عبدالعزیٰ عامری و عمر ابن عاص و طلحه ابن عبیدالله
و سعد ابن عاص و دو فرزندش ابان و خالد و ابوسقیان و دو فرزندش
یزید و معاویه و خلفاء بوده اند که حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام
در درجه اول و زید ابن ثابت بعد از آن حضرت بیشتر از همه آنان بشرف
ملازمت پیغمبر ص مشرف بوده و مخصوصاً بیش از سایرین افتخار کتابت
وحی را داشتند و چنانچه از بسیاری از روایات فریقین بدست میاید
خود پیغمبر ص نیز اصرار زیاد بر کتابت منظم و حفظ و ضبط آیات قرآن
داشت. چنانچه در صحیح بخاری است که چون آیه لایستوی القاعدون
من المؤمنین غیر اولی الضرر و الله جاهدون فی سبیل الله
نازل شد پیغمبر ص به براء فرمود که زید را بخوان که بادوات و قلم و
کتف گوسفند بیاید چون آمد فرمود بنویس « لایستوی القاعدون » الخ
و در قصه اسلام عمر است که ابتداء مردی از قریش بوی گفت که خواهرت
از دین بت پرستی برگشته و بحضرت محمد ص ایمان آورده است چون
این خبر شنید بمنزل خواهرش رفته خشمناک وارد شد و بمحض ورود
سیلی بصورت خواهرش زد و چون خشمش ساکت گردید دید که در
گوشه از خانه صحیفه ایست که در آن نوشته بسم الله الرحمن الرحیم
بسیح لله مافی السموات و مافی الارض و هو العزیز الحکیم - تا
ان کتبت مؤمنین و در جای دیگر صحیفه دیگری دید که در

آن نوشته بود بسم الله الرحمن الرحيم - طه ما انزلنا عليك القرآن
تثقی تا جمله له الا سماء الحسنی و چون آنها را از نظر گذرانید و
به نکات فصاحت و بلاغت آنها و قوف یافت بی درنگ خدمت حضرت
رسول اکرم ص مشرف شده اسلام آورد پس تمام این روایات برای ما
ثابت و مدلل میدارد که پیغمبر اسلام ص اهتمام زیادی در عصر خود
بنویستن و حفظ و ضبط آیات قرآنی داشت و در زمان خود آنسرور آنچه
از آیات الهی نازل گردید بطور منظم و مرتبی بواسطه عده مخصوصی
در کمال دقت و مراقبت و حفظ و ضبط برشته تحریر و کتابت در می
آمده است .

(در عهد پیغمبر (ص) چگونه قرآن جمع میشد و بر روی چه
(نوشته میشد ؟)

در زمان پیغمبر (ص) آیات قرآن را بر روی سنگ ریزه های سفید
نازک و برگها و گاهی بر روی پاره های دیبا و شانهای گوسفند چنانچه
عادت عرب از آن تاریخ برای جاری بود مینوشتند و این نوشته ها را
صحف مینامیدند که از جمله این صحف آن بود که برای پیغمبر (ص)
نوشته میشد و در خانه آنحضرت محفوظ گذارده میشد چنانچه محمد بن اسحق
در کتاب القهرست خود نوشته است که قرآن در زمان پیغمبر (ص) در
سنگ ریزه های سفید نازک و برگها و استخوانهای شانهای شتر نوشته
میشد و بخاری نیز از زید ابن ثابت روایت کرده که قرآن را من از سینه
های حافظین آن و برگها و سنگ ریزه های سفید نازک جمع و
تجمع مینمودم .

نیز در تفسیر عیاشی از محدثین امامیه (رض) است که از علی علیه

السلام روایت شده که پیغمبر (ص) مرا فرموده است که چون حضرتش را دفن نمودم قبل از اینکه آیات قرآن را از جریده های خرما و کتف های شتر استخراج و جمع آوری و مرتب نمایم با ازخانه بیرون نگذارم و هم در تفسیر علی ابن ابراهیم از ابی بکر حضری از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که پیغمبر (ص) به علی ابن ابیطالب (ع) فرمود یا علی آیات قرآن را که در صحف و کاغذ و حریرهای پراکنده نوشته شده است جمع آوری نموده و آنها را ضایع نکنید چنانچه یهود تورا را ضایع کردند .

و حضرت امیر (ع) نیز همه آیات قرآن را بنا بصویت پیغمبر (ص) جمع آوری نموده و آنها را در پارچه زردی بیچیده آنرا مهر و موم نمودند .

حارس محاسبی نیز در کتاب فهم السنن نوشته است که کتابت قرآن امر تازه نیست زیرا بدستور خود پیغمبر (ص) همه آیات آن در ورق پاره ها و استخوان های شانه گوسفندان و شتران و برگها و سنک ریزه های سفید نازک و بالاخره روی کاغذ های معمول آن زمان بطور متفرق نوشته شده بود .

حتی بنا بر روایاتی که وارد شده با مر خود حضرت رسول (ص) يك قسمت ترتیب و وضع آیات قرآنی دره و واضع معینه صورت گرفته است پس اینها همه دلالت میکنند بر اینکه باتفاق بین شیعه و سنی آیات قرآن در زمان خود پیغمبر (ص) و با مر آنسرور روی پارچه ها و قطعات حریر و کالاهای معمول در آن زمان و استخوانهای شانه های شتران و گوسفندان و جریده های خرما و غیره نوشته میشد و حتی قسمت مهم قرآن در همان

زمان پیغمبر ص و تحت نظر آنحضرت نوشته و جمع آوری شده است.
 (در زمان پیغمبر (ص) چه کسانی قرآن را جمع آوری)
 (هی نمودند؟)

در زمان پیغمبر (ص) اسلام بعضی از صحابه تمام قرآن و برخی دیگر بعضی از آنرا جمع نموده و پس از آنحضرت بقیه را تکمیل نمودند چنانچه محمد ابن اسحق در کتاب الفهرست خود ذکر کرده که جمع کننده گان قرآن در عهد پیغمبر (ص) علی ابن ابیطالب علیه السلام و سعد بن عبید بن نعمان بن عمرو بن زید و معاذ بن جبل ابن اوس و ابو زید ثابت بن زید ابن نعمان و ابی ابن کعب ابن قیس و عبید بن معاویه و زید بن ثابت بوده اند. و بخاری نیز از قتاده روایت کرده است که گفت از انس ابن مالک پرسیدم که قرآن را در عهد حضرت رسول (ص) چه کسانی جمع نمودند گفت چهار نفر که تماما از انصار بودند و آن ها عبارتند از : ابی ابن کعب و معاذ ابن جبل و زید ابن ثابت و ابو زید و در جای دیگر بجای ابی ابن کعب ابو دزد را ذکر کرده است.

و در کتاب اتقان ابن ابی داود گفته است که بسند صحیح از محمد ابن کعب قرطی وارد است که گرد آورندگان قرآن در زمان حضرت رسول (ص) معاذ ابن جبل و عباده ابن صامت و ابی ابن کعب و ابو زید و ابو هریرة یا او باثمیم داری بوده اند. بازم بیهقی و ابن داود هر دو روایت کرده اند از شعبی که جمع کنندگان قرآن در عهد پیغمبر (ص) شش نفر بوده اند: ابی ابن کعب و زید ابن ثابت و معاذ و ابو دزد و سعد بن عبید و ابو زید.

و مجمع ابن جاریه خوارزمی نیز در مناقب خود از علی ابن رباح

شماره سوره های مکی		سوره های مدنی		تاریخ نزول	
۸	• • • •	سوره انفال غیر از	پس از سوره بقره		
	• • • •	آیه ۳۰ تا آخر آیه	• • • •		
	• • • •	۳۶- که مکی است	• • • •		
۹	• • • •	سوره توبه غیر از آیه	پس از سوره مائده		
	• • • •	آخر آن که مکی اند	• • • •		
۱۰	• • • •	سوره یونس غیر از	بعد از سوره اسراء		
	• • • •	آیات ۴۰-۹۴-۹۵	• • • •		
	• • • •	۹۶ که مدنی میباشد	• • • •		
۱۱	• • • •	سوره هود غیر از آیات	بعد از سوره یونس		
	• • • •	۱۲-۱۷-۱۱۴ -	• • • •		
	• • • •	که مدنی میباشد	• • • •		
۱۲	• • • •	سوره یوسف غیر از	بعد از سوره هود		
	• • • •	آیات ۷۱ و ۷۳ و	• • • •		
	• • • •	که مدنی میباشد	• • • •		
۱۳	• • • •	سوره رعد	بعد از سوره محمد (ص)		
۱۴	• • • •	سوره ابراهیم غیر از	بعد از سوره نوح		
	• • • •	دو آیه ۲۸ و ۲۹ که	• • • •		
	• • • •	مدنی می باشند	• • • •		
۱۵	• • • •	سوره حجر غیر از	بعد از سوره یوسف		
	• • • •	آیه - ۸۷ که مدنی	• • • •		
	• • • •	می باشد	• • • •		
۱۶	• • • •	سوره نحل غیر سه آیه	بعد از سوره کهف		
	• • • •	آخر که مدنی میباشد	• • • •		
۱۷	• • • •	سوره اسراء غیر از	بعد از سوره قلم		
	• • • •	آیات ۲۶-۲۲-۲۳-	• • • •		
	• • • •	۵۷ و بعضی از آیه ۷۳	• • • •		
	• • • •	تا آخر آیه ۸۰ که	• • • •		
	• • • •	مدنی می باشند	• • • •		
۱۸	• • • •	سوره کهف غیر از	بعد از سوره غاشیه		
	• • • •	آیه ۲۸ و از آیه ۸۳	• • • •		
	• • • •	تا آخر آیه ۱۰۱ که	• • • •		

شماره سوره های مکی	سوره های مدنی	تاریخ نزول
		مدنی میباشدند
۱۹	سوره مریم غیر از دو آیه ۵۸ - ۷۱ که	بعد از سوره فاطر
	مدنی می باشند	
۲۰	سوره طه غیر از دو آیه ۱۳۰ و ۱۳۱ که	بعد از سوره مریم
	مدنی می باشند	
۲۱	سوره انبیاء	بعد از سوره ابراهیم
۲۲	سوره حج غیر از آیات ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ که	بعد از سوره نور
	بین راه مکه و مدینه	
	نازل شده است	
۲۳	سوره مثنون	بعد از سوره انبیاء
۲۴	سوره نور	بعد از سوره حشر
۲۵	سوره فرقان غیر از آیات ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ که	بعد از سوره یس
	مدنی می باشند	
۲۶	سوره شعراء غیر از آیه ۱۹۷ و از ۲۲۴ تا آخر سوره	بعد از سوره واقعه
	که مدنی می باشند	
۲۷	سوره نمل	بعد از سوره شعراء
۲۸	سوره قصص غیر از آیه ۵۲ تا آخر آیه ۵۵ که	بعد از سوره نمل
	مدنی است و آیه ۸۵ که در حقیقه در اثناء هجرت نازل شده است	
۲۹	سوره عنکبوت غیر از آیه ۱ تا آخر آیه ۱۱ که	بعد از سوره روم
	مدنی میباشدند	



شماره سوره های مکی	سوره های مدنی	تاریخ نزول
۳۰	سوره روم غیر از آیه ۶	بعد از سوره انشعاق
	۶۷ که مدنی میباشد	
۳۱	سوره لقمان غیر از آیات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹	بعد از سوره والصفافات
	۲۹ که مدنی میباشد	
۳۲	سوره سجده غیر از آیه ۱۶ تا آخر آیه ۲۰	بعد از سوره مومنون
	۲۰ که مدنی میباشد	
۳۳	سوره احزاب	بعد از سوره آل عمران
۳۴	سوره سباء غیر از آیه ۶ که مدنی میباشد	بعد از سوره لقمان
۳۵	سوره فاطر	بعد از سوره فرقان
۳۶	سوره یس غیر از آیه ۴۵ که مدنی میباشد	بعد از سوره جن
۳۷	سوره والصفافات	بعد از سوره انعام
۳۸	سوره ص	بعد از سوره قمر
۳۹	سوره زمر غیر از آیات ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ که مدنی است	بعد از سوره سباء
۴۰	سوره غافر غیر از دو آیه ۵۶ و ۵۷ که مدنی است	بعد از سوره زمر
۴۱	سوره فصلت	بعد از سوره غافر
۴۲	سوره شوری غیر از آیات ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ که مدنی می باشد	بعد از سوره فصلت
۴۳	سوره زخرف غیر از آیه ۵۴ که مدنی می باشد	بعد از سوره شوری
۴۴	سوره دخان	بعد از سوره زخرف



شماره سوره های مکی		سوره های مدنی		تاریخ نزول	
۴۵	سوره جائیه غیر از	آیه ۱۴ که مدنی	می باشد	بعد از سوره ذحان	
۴۶	سوره احقاف غیر از	آیه های ۱۰ و ۱۵	که مدنی است	بعد از سوره جائیه	
۴۷	سوره محمد (ص) غیر از	آیه ۱۳ که در بین راه و اثناء	هجرت نازل گردیده	بعد از سوره حدید	
۴۸	سوره فتح	که در بین راه در موقع	برگشتن از حدیبیه	بعد از سوره جمعه	
۴۹	سوره حجرات	نازل گردیده		بعد از سوره مجادله	
۵۰	سوره قمر غیر از آیه	۳۸ که مدنی است		بعد از سوره مرسلات	
۵۱	سوره التاریات			بعد از سوره احقاف	
۵۲	سوره طور			بعد از سوره سجده	
۵۳	سوره والنجم غیر از	آیه ۳۲ که مدنی است		بعد از سوره اخلاص	
۵۴	سوره قمر غیر از آیه	های ۴۴ و ۴۵ و ۴۶	که مدنی است	بعد از سوره طارق	
۵۵	سوره الرحمن			بعد از سوره رعد	
۵۶	سوره واقعه غیر از	از آیه های ۸۱ و	۸۲ که مدنی است	بعد از سوره طه	
۵۷	سوره الحديد			بعد از سوره زلزله	
۵۸	سوره مجادله			بعد از سوره منافقون	
۵۹	سوره حشر			بعد از سوره بینه	
۶۰	سوره ممتحنه			بعد از سوره احزاب	



اطراف کل اوقاف
میرزا

شماره سوره های مدنی سوره های مدنی تاریخ نزول

بعد از سوره تغابن	سوره صف	۶۱
بعد از سوره صف	سوره جمعه	۶۲
بعد از سوره حج	سوره منافقون	۶۳
بعد از سوره التحریم	سوره تغابن	۶۴
بعد از سوره انسان	سوره اطلاق	۶۵
بعد از سوره حجرات	سوره تحریم	۶۶
بعد از سوره طور	سوره ملک	۶۷
بعد از سوره علق	سوره قلم غیر از	۶۸
	آیه های از آیه	
	۱۷ الی آخر آیه	
	۳۳ و از آیه	
	۴۸ تا آخر آیه	
	۵۰ که مدنی است	
بعد از سوره ملک	سوره حاقه	۶۹
بعد از سوره الحاقه	سوره معارج	۷۰
بعد از سوره نحل	سوره نوح	۷۱
بعد از سوره اعراف	سوره جن	۷۲
بعد از سوره قلم	سوره مزمل غیر	۷۳
	از آیه های ۱۰ و	
	۱۱ و ۲۰ که مدنی	
	است	
بعد از سوره مزمل	سوره مدثر	۷۴
بعد از سوره قارعه	سوره قیمة	۷۵
بعد از سوره الرحمن	سوره انسان	۷۶
بعد از سوره همزه	سوره مرسلات	۷۷
	غیر از آیه ۴۸	
	که مدنی است	
بعد از سوره معارج	سوره بناء	۷۸
بعد از سوره بناء	سوره نازعات	۷۹
بعد از سوره النجم	سوره عبس	۸۰
بعد از سوره مسد	سوره تکویر	۸۱



تاریخ نزول	سوره های مدنی	شماره سوره های مکی
بعد از سوره نازعات	.	سوره انفطار ۸۲
بعد از سوره عنکبوت	.	سوره مطففین و
.	.	این آخرین
.	.	سوره ایست که
.	.	در مکه نازل
.	.	شده است
بعد از سوره انفطار	.	سوره انشقاق ۸۴
بعد از سوره شمس	.	سوره بروج ۸۵
بعد از سوره بلد	.	سوره طارق ۸۶
بعد از سوره تکویر	.	سوره اعلیٰ ۸۷
بعد از سوره والذریات	.	سوره غاشیه ۸۸
بعد از سوره لیل	.	سوره فجر ۸۹
بعد از سوره ق	.	سوره بلد ۹۰
بعد از سوره قدر	.	سوره شمس ۹۱
بعد از سوره اعلیٰ	.	سوره لیل ۹۲
بعد از سوره فجر	.	سوره ضحیٰ ۹۳
بعد از سوره ضحیٰ	.	سوره الم نشرح ۹۴
بعد از سوره بروج	.	سوره تین ۹۵
.	.	سوره علق و این
.	.	اولین سوره ایست که
.	.	از قرآن نازل گردیده
بعد از سوره عبس	.	سوره قدر ۹۷
بعد از سوره طلاق	سوره بینه	۹۸
بعد از سوره نساء	سوره زلزله	۹۹
بعد از سوره عصر	.	سوره عادیات ۱۰۰
بعد از سوره قمر	.	سوره قارعه ۱۰۱
بعد از سوره کوثر	.	سوره تکویر ۱۰۲
بعد از سوره الم نشرح	.	سوره عصر ۱۰۳
بعد از سوره قیمة (لم یکن)	.	سوره همزه ۱۰۴
بعد از سوره کافرون	.	سوره قیل ۱۰۵
بعد از سوره تین	.	سوره قمر ۱۰۶



شماره سوره های مکی	سوره های مدنی	تاریخ نزول
۱۰۷ سوره ماعون که	بعد از سوره نکاتر	
سه آیه اول این		
سوره مکی است		
و بقیه آن مدنی		
است		
۱۰۸ سوره کوثر	بعد از سوره عادیات	
۱۰۹ سوره کافرون	بعد از سوره ماعون	
۱۱۰	سوره نصر که دزمنی	و این سوره آخرین
	در حجة الوداع نازل	سوره ایست که نازل
	گردیده و لذا مدنی	گردیده است
	منحسوب است	
۱۱۱ سوره مسد	بعد از سوره فاتحه	
۱۱۲ سوره اخلاص	بعد از سوره ناس	
۱۱۳ سوره فلق	بعد از سوره فیل	
۱۱۴ سوره ناس	بعد از سوره فلق	

ترتیب نزول قرآن در مکه و مدینه

ترتیب نزول قرآن کریم در مکه و مدینه مطابق نظم و ترتیبی که ابن ندیم در کتاب الفهرست خود ذکر کرده است و سند آنرا از محمد بن نعمان ابن بشیر روایت نموده به قرار زیر میباشد که ما از نقطه نظر اینکه از قدیمترین سند است که مورد اعتماد بوده و با ترتیبی که در کتاب ابراهیم ابن عمر بقاعی و ابوالقاسم ابن محمد بن عبدالکافی که از اساتید بزرگ این فن محسوبند چندان فرقی ندارد بذکر آن میپردازیم :

بگفته ابن ندیم سوره هائی که در مکه بر پیغمبر ص نازل گردید مطابق ترتیبی است که ذیلا ذکر میشود :

- ۱ - سوره اقرء باسم ربك الذی خلق تا علم الانسان ما لم يعلم
- ۲ سوره نون والقلم



۳ - سوره یا ایها المزمحل که قسمت آخرش در راه مکه نازل

گشت.

- ۴ - یا ایها المدثر
- ۵ - سوره تبت « بطوریکه از مجاهد روایت شده »
- ۶ - سوره اذا الشمس کورت
- ۷ - سوره سبح اسم ربک الاعلی
- ۸ - سوره الم شرح لک صدرك
- ۹ - سوره والعصر
- ۱۰ - سوره والفجر
- ۱۱ - سوره والضحی
- ۱۲ - سوره والیل
- ۱۳ - سوره والعاذیات ضبیحا
- ۱۴ - سوره انا اعطیناک الکوثر
- ۱۵ - سوره الهمیکم التکائر
- ۱۶ - سوره ارایت الذی
- ۱۷ - سوره قل یا ایها الکافرون
- ۱۸ - سوره الم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل
- ۱۹ - سوره قل اعوذ برب الفلق
- ۲۰ - سوره قل هو الله احد
- ۲۱ - سوره قل اعوذ برب الناس و بعضی آنرا مدنی میدانند
- ۲۲ - سوره والنجم
- ۲۳ - سوره عبس
- ۲۴ - سوره انا انزلناه

- ٢٥ - سورة والشمس وضحيها
٢٦ - سورة والسماء ذات البروج
٢٧ - سورة والتين والزيتون
٢٨ - سورة لايلاف قريش
٢٩ - سورة القارعة
٣٠ - سورة لااقسم بيومالقيامه
٣١ - سورة ويل لكل همزة لمزة
٣٢ - سورة والمرسلات
٣٣ - سورة قاف والقرآن
٣٤ - سورة لااقسم بهذاالبلد
٣٥ - سورة الرحمن
٣٦ - سورة قل اوحى
٣٧ - سورة يس
٣٨ - سورة المص
٣٩ - سورة تبارك الذي نزل الفرقان
٤٠ - سورة ملكه
٤١ - سورة الحمد لله فاطر السماوات
٤٢ - سورة مريم
٤٣ - سورة طه
٤٤ - سورة اذا وقعت
٤٥ - سورة طسم الشعراء
٤٦ - سورة طس «سورة نمل»

- ۴۷ -- سوره طس 'سوره قصص'
۴۸ -- سوره بنی اسرائیل
۴۹ -- سوره هود
۵۰ -- سوره یوسف
۵۱ -- سوره یونس
۵۲ -- سوره حجر
۵۳ -- سوره الصافات
۵۴ -- سوره لقمان که آخر آن مدنی است
۵۵ -- سوره قذافح المومنون
۵۶ -- سوره سبا
۵۷ -- سوره انبیاء
۵۸ -- سوره زمر
۵۹ -- سوره مومن 'حم'
۶۰ -- سوره حم سجده
۶۱ -- سوره حمعسق
۶۲ -- سوره حم 'زخرف'
۶۳ -- سوره حم دخان
۶۴ -- سوره حم 'الشریعة'
۶۵ -- سرره حم احقاف که چند آیه آن مدنی است
۶۶ -- سوره الذاریات
۶۷ -- سوره غاشیه
۶۸ -- سوره کهف که آخر آن مدنی است

- ۶۹ - سورة انعام که چند آیه آن مدنی است
۷۰ - سورة نحل که آخر آن مدنی است
۷۱ - سورة نوح
۷۲ - سورة ابراهیم
۷۳ - سورة سجده
۷۴ - سورة الطور
۷۵ - سورة تبارک الذی بیده الملك
۷۶ - سورة الحاقه
۷۷ - سورة سل سائل
۷۸ - سورة عم یسائلون
۷۹ - سورة نازعات
۸۰ - سورة اذا السماء انفطرت
۸۱ - سورة اذا السماء انشقت
۸۲ - سورة روم
۸۳ - سورة عنکبوت
۸۴ - سورة ویل للمطففین ولی بعضی گفته اند این سوره مدنی میباشد
۸۵ - سورة اقتربت الساعه وانشق القمر
۸۶ - سورة السماء والطارق
۸۷ - سورة نحل غیر از آیه « وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم
به - که بقول شعبی مدنی است .
(تقریب سوره هائیکه در مدینه نازل شده است)
۸۸ - سورة بقره

- ٨٩ - سورة انفال
٩٠ - سورة اعراف
٩١ - سورة آل عمران
٩٢ - سورة ممتحنة
٩٣ - سورة نساء
٩٤ - سورة اذا زلزلت
٩٥ - سورة حديد
٩٦ - سورة الذين كفروا
٩٧ - سورة رعد
٩٨ - سورة هل اتى
٩٩ - سورة طلاق
١٠٠ - سورة لم يكن الذين كفروا
١٠١ - سورة حشر
١٠٢ - سورة اذا جاء نصر الله والفتح
١٠٣ - سورة نور
١٠٤ - سورة حج
١٠٥ - سورة منافقين
١٠٦ - سورة مجادله
١٠٧ - سورة حجرات
١٠٨ - سورة يا ايها النبي
١٠٩ - سورة جمعه
١١٠ - سورة تغابن

۱۱۱ - سوره حواریین

۱۱۲ - سوره الفتح

۱۱۳ - سوره مائده

۱۱۴ - سوره توبه

و بعضی گفته اند سوره های معوذتین در مدینه نازل شده است
در خاتمه این فصل یاد آور میشویم که از آنچه تا کنون گذشت
بدست آمد آیات قرآن مجید در زمان خود پیغمبر «ص» بر شاخه های
درخت خرما و قطعات حریر و کتف های گوسفند مرتباً نوشته میشد چنانچه از
زید ابن ثابت روایت شده است که گفت مادر زمان پیغمبر «ص» آیات و سوره
قرآنی را مطابق ارشاد پیغمبر «ص» مرتب می ساختیم
ولی چون این نوشتهجات متفرق و پراکنده شده بود لذا مطابق حدیث
علی بن ابراهیم قمی ره حضرت رسول ص به علی (ع) فرمود که آنها را
جمع آوری نماید و از تزیین آنها آنحضرت را بر حذر فرمود.
علاوه بر این صحابه پیغمبر ص آیات قرآن را همانطوریکه از پیغمبر «ص»
شنیده بودند در حفظ داشتند تا اینکه در وقعه چاه معونه قریب هفتاد نفر از صحابه
که جمعلگی حافظ قرآن بودند شهید گشتند و آنها را قراء قرآن
می گفتند.

(قرآن در زمان ابوبکر و همر)

پس از پیغمبر که حسب ظاهر ابوبکر احراز خلافت نمود کار
مسئله کذاب که در زمان او از همان او آخر زمان پیغمبر «ص» مدعی پیغمبری
بود چنان بالا گرفت که ابوبکر مجبور شد لشکری از صحابه رسول (ص)
و قراء قرآن مجهر نموده و بجنک مسیلمه بفرستد که شر او را از مسلمین
دفع کنند و اگر چه بالاخره مسلمانان در آن جنک فاتح شدند و مسیلمه



نیز کشته شد ولی قریب هفتصد نفر از صحابه رسول اکرم (ص) که همه حافظ قرآن بودند در آن جنگ کشته شدند. از اینرو عمر احساس بلزوم جمع آوری قرآن در جلد های دباغی شده نمود و موضوع را با ابی بکر در میان نهاد. ابی بکر ابتداء بیبانه اینکه چون این امر در زمان پیغمبر سابقه نداشته و اقدام بآن مستلزم ارتکاب بدعتی است از آن شانه خالی میگردولی بالاخره عمر او را قانع نموده و ضرورت این موضوع را مخصوصا پس اینکه ابوبکر يك آیه را از قرآن خواست و باو گفتند فلانی میدانسته که در جنگ کشته شده است بای بکر ثابت نمود.

اینست که در صحیح بخاری از قول زید ابن ثابت ذکر شده که ابوبکر پس از جنگ یمامه مرا خواسته و بجمع آوری قرآن وادار نموده و گفت ای زید عمر نزد من آمد که چون بیشتر قرآن در سینه قراء صحابه جا داشته و بیشترشان در جنگ یمامه کشته شده اند از ترس اینکه مبادا بعضی از آیات قرآنی از بین برود این کار ضرورت پیدا کرده است.

اکنون چون تو در زمان رسول «ص» از نویسندگان وحی بوده و بعلاوه مرد جوان و خردمندی هستی باید عهده دار اینکار گردی. زید گفت من که ابتدا از ترس اینکه مبادا با این عمل خود مرتکب بدعتی شوم در اینکار خود دار بودم ولی بالاخره قانع شده شروع بجمع آوری قرآن از شاخه های درخت خرما و سنک های سفید نازک و سینه های صحابه و ضبط آن درادیم یعنی پوستهای دباغی شده نمودم.

حتی اینکه آیه قد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم را که سر بوط باو اخر سوره توبه است تا خاتمه سوره فقط نزد ابی خزیمه انصاری یافتیم و دیگری بر آن واقف نبود.

تنبیه - ممکن است از آنچه در این بحث گفته آمد بعضی چنین اندیشند که حدیث جمع آوری قرآن در زمان ابی بکر بنحویکه ذکر شد با حادثی که مشعر بجمع آوری قرآن در زمان خود پیغمبر (ص) بود چنانچه قبلا تشریح شد مخالف است زیرا اگر در زمان پیغمبر قرآن جمع آوری شده بود دیگر در زمان ابی بکر بطوریکه ذکر شد معنی نداشته است و اگر در زمان پیغمبر بشرح مذکور جمع آوری نشده است پس نمیتوان قرآن را بطوریکه مورد ادعاست در زمان پیغمبر جمع آوری شده و مضبوط دانست .

پاسخ - این سخن آنست که چنانچه در همین مبحث اشاره شده است قرآن در زمان پیغمبر «ص» در سنگهای سفید پهن و نازک و شاخه های درخت خرما و قطعات حریر بطوریکه شرح داده شد جمع آوری شده و مضبوط بود ولی چون این طرز منحصربیک یا چند نسخه اندکی بیش نبود و دست هر کسی بآن نمیرسید و مسلمانان صدراول که عبارت از اصحاب و انصار رسول (ص) بودند با اعتماد بقوت حافظه خود و سایرین خود را محتاج باین نمیدیدند که نسخه های بیشتری از قرآن را بهمان وضع رو نویس و ضبط کنند از این جهت وقتیکه هفتصد نفر از جمله قرآن در جنگ یمامیه از بین اصحاب و انصار کشته شدند، روی ترقی فکر و سلیقه بشرحی که مذکور گردید عمر ابو بکر را وادار بجمع آوری مجدد قرآن در پوست های دباغی شده بوضع کنونی نمود ، ولذا چون دیدند که وضع جمع آوری غیر از آن شد که در زمان خود پیغمبر «ص» انجام شده است از این جهت بشبهه اینکه مباد این کار که پیغمبر «ص» که عقل کل بوده است در زمان حیات خود اقدام بآن نفرموده . بعد از آنسرور اقدامش بدعت بوده باشد در ابتدا کسانی چون ابو بکر و زید بن ثابت و امثال آنان از اقدام بآن در آغاز خودداری داشتند و بعدا که روی استدالات عمر و اینکه چون صلاح امت است

رضای پیغمبر هم در آنست قانع شدند و آنرا انجام دادند.
چنانچه در کتاب انقان از مغازی موسی بن عقبه از ابن شهاب روایت
شده است که چون در جنگ یمامه عده زیادی از مسلمانان که حافظ
قرآن بودند شهید شدند ابو بکر بر قرآن ترسید و لذا بدستور ابو بکر
قرآن در اوراق جمع گشت پس ابو بکر اول کسی است که قرآن را در
مصحف جمع نمود چنانچه ابن حجر در روایت عماد ابن غریه از زید ابن
ثابت روایت کرده که با ما ابو بکر قرآن را در قطعات پوست های دباغی شده
جمع نمود و آن قرآن پس از ابو بکر نزد عمر و بعد از او نزد دخترش
حفصه بود و عمر همواره میگفت در قرآن مسلمان کسی جز غلامانی از قریش
و تقیف حق املاء نخواهد داشت و چون نوبت بعثمان رسید گفت بسابد
املاء کننده قرآن از بنی هذیل و نویسنده آن از بنی تقیف
بوده باشد.

(قرآن در زمان عثمان)

تا کنون دانستیم که بعضی از صحابه رسول «ص» حتی در زمان خود
آنحضرت بعضی از عبارات قرآن را بتعبیر دیگری که از لحاظ معنی یا تعبیر
اصلی فرقی نداشت میخواندند مثلا بطوریکه گذشت در آیه
« ان نأشأه اللیل هی اشد وطنا و اقوم قیلا »

انس ابن مالک بجای اقوم قیلا « اصوب قیلا » خوانده است و
چون در نظر آنان این مقدار تغییر در تعبیر قرائت قرآن بی ضرر بود لذا گاه
گاهی خودداری از آن نمیکردند.

پس از حضرت رسول «ص» در زمان ابی بکر اختلاف قرائت بیشتر
شد و در زمان عثمان بعدی رسید که قرائت قراء شام مغایر با قرائت قراء
ارمنیه و آذربایجان بود تا کار بجایی کشید که حذیفه ابن الیمان که از صحابه

بشمبر هـ» و فاتح همدان و دینور شهری بود و در آنوقت در جنگ با
رومیان و در جنگ با ایرانیان و در فتح آذربایجان حضور داشت نزد عثمان
آمد و گفت :
« ادرك هذه الامه قبل ان يختلفوا في الكتاب اختلاف الیهود
والنصارى » ،

یعنی ای عثمان کار اختلاف قرائت قرآن در ممالک اسلامی بجائی
رسید که هر کس بطور خاصی قرآن را قرائت میکند که مخالف با قرائت
دیگری است و بهم میگویند قرائت من بهتر از قرائت تو است و من میتسم
که در این امت نیز بر سر قرآن اختلاف شود مانند یهود و نصاری که
کتاب تورا و انجیلیشان مورد اختلاف می باشد و چاره این کار تا زود
است باید کرد .

عثمان فرستاد قرآنی را که بشرح مذکور در زمان عمر بطریق کتاب
جمع آوری شده و نزد حفصه دختر عمر بود از وی مطالبه نمود و زید بن ثابت و
عبداله ابن زبیر و سعید بن عاص و عبدالرحمن ابن حارث ابن هشام را
بخواست که چند نسخه از روی آن استنساخ کنند و تا کید کرد که هر گاه در
قرائت آیه از آیات بین سه نفر اخیر الذکر که از قریشند بازید بن ثابت
اختلاف شد بابتی لغت قریش را که قرآن بآن لغت نازل شده است بر
گزید و با آن لغت کلمه مورد اختلاف را تدوین نمود .

ابن ابی داود که از علمای اهل سنت است از محمد بن سیرین و او از
کثیر ابن افلح روایت کرده است که عثمان دوازده نفر از قریش و انصار را
برای این منظور جمع نمود و علی ابن محمد طالس علوی فاطمی نیز در
کتاب سعد السعود ذکر کرده است که قرآن را در عهد ابی بکر زید ابن
ثابت جمع نمود در حالی که عبدالله ابن مسعود دو سال موی حذیفه و ابی

این کتب مخالف آن بودند و چون زمان عثمان رسید عثمان قرآن را با صواب بدید
حضرت علی ابن ابیطالب «ع» بطوریکه فعلا هست جمع نموده و شش نسخه به
امر او تدوین شد که یک نسخه را نزد خود نگه داشت و یک نسخه را بمکه و یک
نسخه را بصره و یک نسخه را بشام و یک نسخه را بکوفه فرستاد و نسخه ششم را
برای استفاده اهل مدینه گذارد که نسخه شام را ابن فضل اله عمری در
اواسط قرن هجری در دمشق دیده است چه آنکه در وصف مسجد دمشق
نوشته که سمت چپ مسجد مصحف عثمان را نهاده بودند.

بهر حال این روایت ابن طاوس را میتوان مؤید روایت سوید بن
علقمه دانست که شهرستانی در مقدمه تفسیر خود ذکر نموده و از حضرت
امیر ۴ روایت کرده که آنحضرت فرمود عثمان ما را جمع نموده و در
امر جمع آوری قرآن با ما مشورت کرده گفت امروز که کار قرآن با اینجا
کشیده که هر کس آن را بلغت خود قرائت میکند و بدیگری میگوید
قرائت من بهتر از قرائت تست آیا رای میدهید که اختلاف از قرائت
قرآن برداشته شده و برای تمام ملل اسلامی قرآن بیک لغت تدوین
شود؟

و چون ما هم این رای را صواب دانستیم شروع بکار نمود.
و مطابق اخبار متواتره در این باب چون مصاحف عبدالله ابن
مسعود و ابی و سالم از لحاظ لغت قرائت با قرآنیکه با او جمع شده
بود تفاوت داشت لذا پس از انجام کار قرآن های آنان را گرفته و بشست و
بنا بر بعضی از روایات آنها را سوزانید که این خود موجب طعن بر عثمان شد.
در پاره از کتب اهل سنت این است که با عثمان از قرآنیکه
نزد حفصه بود چهار نسخه تدوین شد یک نسخه را نزد خودش در مدینه
گذارد و سه نسخه دیگر را یکی به بصره و یکی بکوفه و یکی بشام

فرستاد و برای قرائت نسخه مدینه زید ابن ثابت و برای قرائت قرآن کوفه ابی عبدالرحمن ابن بلخی و برای قرائت قرآن شام مغیره ابن شهاب را تعیین نمود عثمان پس از تدوین قرآن های چهارگانه اصل نسخه حفصه را بخود او برگردانید .

پس خلاصه مبحث در باب جمع آوری قرآن این شد که قرآن ابتداء در زمان خود پیغمبر (ص) در ریه های نازک و کشف های گوسفند و جزاید خرما جمع آوری شده و چون آن قرآن بدست هر کس نمی رسید بواسطه پیدایش اختلال کمی در تلفظ لغات قرائت قرآن در زمان ابی بکر همان قرآن در مصحف یعنی بصورت کتابی که اوراق آن از پوستهای دباغی شده بود جمع و تدوین گشت و چون در زمان عثمان اختلافات در قرائت الفاظ قرآن بسیار گشت که هر قبیله قرآن را بلفظ خودش میخواند چنانکه امروزه بیشتر کلمات فارسی را مردم شهرستانها بلغتی غیر از لغت شهرستان دیگر ادامیکند، از اینجهت آن چهار یا شش نسخه از روی آن یک نسخه که در زمان ابو بکر نوشته شده بود برداشته شد که هر نسخه بیکی از نقاط مزبور که هر یک در آن وقت از سواد های اعظم ممالک اسلامی شمرده میشدند باقیانی که مردم آن دیار را بطرز قرائت آن مصاحف آشنا کنند فرستاده شده تا کمترین اختلافی در طرز خواندن قرائت قرآن و ادای کلمات و لغات آن بعد از آن ندهد و این عمل عمل عثمان از ناحیه حضرت امیر ۴ امام مذهب شیعه نیز مورد تأیید قرار گرفته است .

در مباحث آئینده ترتیب جمع آوری قرآن را مطابق مصحف حضرت امیر المومنین علی ۴ و عبدالله ابن مسعود و عبدالله ابن عباس و ابی ابن کعب و قرآن حضرت امام جعفر صادق ۴ خواهیم نگاشت تا معلوم

شود اختلاف بین آنها از چه لحاظ بوده است .

ترتیب سوره های قرآن مطابق قرآنی که حضرت امیر

جمع فرموده بودند

ابن ندیم در الفهرست خود از ابن منادی روایت کرده است که حسن بن عباس از عبدالرحمن ابن ابی حماد از حکم ابن ظهیر سدوسی از عبد خیر واو از علی ۴ روایت کرده است که آن حضرت بعد از وفات رسول اکرم ص قسم خورد که تا قرآن را جمع آوری و مرتب نکند عبا بردوش نیفکند و از منزل خارج نشود از این جهت سه روز در خانه خود ماند تا قرآن را جمع آوری نموده و من در زمان خود آن قرآن را نزد ابی یعلی حمزه حسنی دیدم که اوراقی از آن ریخته شده بود و خاندان بنو حسن آنرا بارث برده بودند تا بساو رسیده بود و ترتیب سوره های آن قرآن که به هفت جزء تقسیم شده است از اینقرار می باشد :

جزء اول شامل : سوره بقره - سوره یوسف - سوره عنکبوت

سوره روم - سوره لقمان - سوره حم سجده - سوره الذاریات
سوره هل اتی - سوره الم تزیل - سوره سجده - سوره
والانزاعات - سوره کودرت - سوره انقطاع - سوره انشقاق - سوره
سبح اسم ربك الاعلی - سوره لم یکن بود .
و این جزء بجزء بقره موسوم است

جزء دوم شامل : سوره آل عمران - سوره هود - سوره حج

سوره حجر - سوره احزاب - سوره دخان - سوره الرحمن -
سوره الحاقه - سوره سال سائل - سوره عبس - سوره والشمس
سوره قدر - سوره اذا زلزلت - سوره وبل لکل همزه - سوره
الم تر کیف فعل ربك - سوره لایلاف قریش بود .
و این جزء بجزء آل عمران موسوم است



جزء سوم مشتمل بر: سوره نساء - سوره نحل - سوره مؤمنون - سوره يس - سوره جمعه - سوره واقعه - سوره تبارك الذي بيده الملك سوره مدثر - سوره ابراهيم - سوره تبت - سوره توحيد - سوره والعصر - سوره قارعه - سوره والسماء - ذات البروج - سوره والين - سوره طس - سوره نمل بود .
 واين جزء بجزء نساء موسوم است .

جزء چهارم مشتمل بر: سوره مائده - سوره يونس - سوره مر يم - سوره طس - سوره شعراء - سوره زخرف - سوره حجرات - سوره ق والقرآن - سوره اقترب بنا الساعة - سوره ممتحنه سوره والسماء والطارق - سوره لاقم بهذا البلد - سوره الم نشرح سوره والعديات - سوره انا اعطينا - سوره قل يا ايها الكافرون بود .

واين جزء بجزء مائده موسوم است

جزء پنجم مشتمل بر: سوره انعام - سوره سبحان الذي امرني سوره اقترب - سوره فرقان - سوره موسى - سوره فرعون - سوره حم - سوره مؤمنين - سوره مجادل - سوره حشر - سوره جمعه - سوره منافقون سوره ن والقلم - سوره نوح - قل اوحى - سوره رسالات - سوره والضحى - سوره الهيكم التكاثر بود .
 واين جزء بجزء انعام موسوم است

جزء ششم مشتمل بر: سوره اعراف - سوره ابراهيم سوره كهف - سوره نور - سوره ص - سوره زمر - سوره شوره سوره الذين كفروا - سوره حديد - سوره مزمل - سوره قيامة سوره عم - سوره غاشيه - سوره والنجم - سوره والليل - سوره (اذا جاء نصر الله) بود

واين جزء بجزء اعراف موسوم است

جزء هفتم مشتمل بر: سوره اقبال - سوره توبه - سوره طه - سوره ملئكه - سوره والصفات - سوره احقاف -



سوره الفتح - سوره الطور - سوره نجم - سوره صف - سوره
تغابن - سوره طلاق سوره مطفقین - سوره مودثین بود .

و این جزء بجزء انفال موسوم است

ترتیب سوره های قرآن مطابق مصحف ابی بن کعب

ابن ندیم در کتاب الفهرست از فضل ابن شازان و او از مردی ثقه
روایت کرده است که در یکی از قراء بصره که آنرا قریه الانصاری گفتند
و در راس دو فرسخی بصره واقع شده است قرآنی نزد محمد ابن
عبدالملك انصاری دیده شده که عبدالملك نامبرده آنرا مطابق سلسله
روایاتی که از پدران خویش در دست داشت مصحف ابی ابن کعب از صحابه
پیشمر ص که در سال ۲۰ هجری وفات یافته است میدانست و چون در
ترتیب سوره های آن غور کردم آنها را بشرح زیر یافتم .

۱ - سوره فاتحة الكتاب ۲ - سوره بقره ۳ - سوره نساء ۴ - سوره
آل عمران ۵ - سوره انعام ۶ سوره اعراف ۷ - سوره مائده که شامل
آیات سوره یونس نیز بوده است ۸ - سوره انفال ۹ - سوره توبه
۱۰ - سوره هود ۱۱ - سوره مريم ۱۲ - سوره شعراء ۱۳ - سوره
حجج ۱۴ - سوره یوسف ۱۵ - سوره كهف ۱۶ سوره نحل ۱۷ سوره
احزاب ۱۸ سوره بنی اسرائیل ۱۹ سوره زمر ۲۰ سوره حم تنزيل ۲۱ -
سوره طه ۲۲ - سوره انبیاء ۲۳ - سوره نور ۲۴ - سوره مومنون ۲۵ -
سوره حم المؤمن ۲۶ - سوره رعد ۲۷ - سوره طسم ۲۸ - سوره قصص
۲۹ - سوره طس - ۳۰ - سوره سلیمان ۳۱ - سوره صافات ۳۲ - سوره
داود ۳۳ - سوره ص ۳۴ - سوره یس ۳۵ سوره اصحاب حجر ۳۶ - سوره
جمعسق ۳۷ - سوره روم ۳۸ - سوره زخرف ۳۹ - سوره حم سجده ۴۰ -
سوره ابراهیم ۴۱ سوره مائلكه ۴۲ - سوره فتح ۴۳ - سوره محمد ص ۴۴ -

سوره جدید ۴۵ - سوره ظهار ۴۶ - سوره تبارک الذی بیده الملك ۴۷ - سوره فرقان
 ۴۸ - سوره الم تنزیل ۴۹ - سوره نوح ۵۰ - سوره احقاف ۵۱ - سوره ق
 ۵۲ - سوره الرحمن ۵۳ - سوره واقعه ۵۴ - سوره جن ۵۵ - سوره نجم
 ۵۶ - سوره نون والقلم ۵۷ - سوره الحاقه ۵۸ - سوره حشر ۵۹ - سوره ممتحنه
 ۶۰ - سوره مرسلات ۶۱ - سوره عم یتسائلون ۶۲ - سوره انسان ۶۳ - سوره
 لا اقسام ۶۴ - سوره کورت ۶۵ - سوره نازعات ۶۶ - سوره عبس ۶۷ - سوره
 مطفین ۶۸ - سوره اذا السماء انشقت ۶۹ - سوره تین ۷۰ - سوره
 اقرا باسم ربک ۷۱ - سوره حجرات ۷۲ - سوره مذافقون ۷۳ - سوره جمعه
 ۷۴ - سوره بالیها النبی - ۷۵ - سوره فجر ۷۶ - سوره ملک ۷۷ - سوره
 واللیل اذا یغشی ۷۸ - سوره اذا السماء انفطرت ۷۹ - سوره والشمس
 وضحیها ۸۰ - سوره والسماء ذات البروج ۸۱ - سوره طارق ۸۲ - سوره سبح اسم
 ربک الاعلیٰ ۸۳ - سوره غاشیه ۸۴ - سوره عبس ۸۵ - سوره صف ۸۶ -
 سوره ضحیٰ ۸۷ - سوره الم نشرح ۸۸ - سوره قارعه ۸۹ - سوره تکوین
 ۹۰ - سوره خلع ۹۱ - سوره جید ۹۲ - سوره همزه ۹۳ - سوره اذا
 زلزلت ۹۴ - سوره عادیات ۹۵ - سوره اصحاب فیل ۹۶ - سوره تین
 ۹۷ - سوره کوثر ۹۸ - سوره قدر ۹۹ - سوره کافرون ۱۰۰ - سوره نصر
 ۱۰۱ - سوره ابی لهب ۱۰۲ - سوره قریش ۱۰۳ - سوره صمد ۱۰۴ - سوره
 فلق ۱۰۵ - سوره ناس .

ترتیب سوره های قرآن مطابق مصحف عبدالله ابن مسعود
 که از صحابه جلیل القدر و متوفی سال ۳۲ یا ۳۳ هجری میباشد
 ایضاً ابن ندیم در کتاب الفهرست خود از فضل ابن شاذان روایت
 کرده است که او گفت در مصحف عبدالله ابن مسعود ترتیب سوره های

قرآنی را بشرح زیر یافتیم :

- ۱ - سوره بقره ۲ - سوره نساء ۳ - سوره آل عمران ۴ - سوره
المص ۵ - سوره انعام ۶ - سوره مائده ۷ - سوره یونس ۸ - سوره
توبه ۹ - سوره نحل ۱۰ - سوره هود
۱۱ - سوره یوسف ۱۲ - سوره بنی اسرائیل ۱۳ - سوره انبیاء ۱۴ -
سوره مؤمنون ۱۵ - سوره شعرا ۱۶ - سوره صافات ۱۷ - سوره احزاب
۱۸ - سوره قصص ۱۹ - سوره نور ۲۰ - سوره انفال ۲۱ - سوره مریم
۲۲ - سوره عنکبوت ۲۳ - سوره روم ۲۴ - سوره یس ۲۵ - سوره
فرقان ۲۶ - سوره حج ۲۷ - سوره رعد ۲۸ - سوره سباء ۲۹ - سوره مائده
۳۰ - سوره ابراهیم ۳۱ - سوره ص ۳۲ - سوره الذین کفروا ۳۳ - سوره
قمر ۳۴ - سوره زمر ۳۵ - سوره های حوامیم مسبحات (۳) ۳۶ - سوره حم مؤمن
۳۷ - سوره حم زخرف ۳۸ - سوره سجده ۳۹ - سوره احقاف ۴۰ -
سوره جائیه ۴۱ - سوره دخان ۴۲ - سوره انا فتحنا ۴۳ - سوره حدید
۴۴ - سوره سبأ ۴۵ - سوره حشر ۴۶ - سوره تنزیل ۴۷ - سوره سجده
۴۸ - سوره ق ۴۹ - سوره طلاق ۵۰ - سوره حجرات ۵۱ - سوره تبارک
الذی بیده الملك ۵۲ - سوره تغابن ۵۳ - سوره منافقون ۵۴ - سوره
جمعه ۵۵ - سوره حواریون ۵۶ - سوره قل اوحی ۵۷ - سوره انا ارسلنا ۵۸ -
سوره مجادله ۵۹ - سوره ممتحنه ۶۰ - سوره یا ایها النبی ۶۱ - سوره
الرحمن ۶۲ - سوره والنجم ۶۳ - سوره والذاریات ۶۴ - سوره طور
۶۵ - سوره اقتربت الساعه ۶۶ - سوره الحاقه ۶۷ - سوره اذا وقعت
سوره ن والقلم ۶۹ - سوره نازعات ۷۰ - سوره سأل سائل ۷۱ - سوره مدثر
۷۲ - سوره مزمل ۷۳ - سوره مطففین ۷۴ - سوره عبس ۷۵ - سوره دهر

۷۶ - سورة قيامته ۷۷ - سورة عم يتساءلون ۷۸ - سورة تكوير ۷۹ -
سورة انفطار ۸۰ سورة هل اتاك حديث ۸۱ سورة غاشيه ۸۲ - سورة
سمح اسم ربك الاعلى ۸۳ - سورة والليل ۸۴ - سورة فجر ۸۵ - سورة
بروج ۸۶ - سورة انشقت ۸۷ - سورة اقرء باسم ربك ۸۸ - سورة لا اقسم
بهذا البلد ۸۹ - سورة والضحى ۹۰ - سورة الم نشرح ۹۱ - سورة والسماء
والطارق ۹۲ - سورة والعاديات ۹۳ - سورة ارايت ۹۴ - سورة القارعة ۹۵ - سورة
لم يكن الذين كفروا ۹۶ - سورة والشمس وضحيها ۹۷ - سورة والتين ۹۸ -
سورة ويل لكل همزه ۹۹ - سورة فيل ۱۰۰ - سورة لا يلاف قريش ۱۰۱ -
سورة تكاثر ۱۰۲ - سورة انا انزلناه ۱۰۳ - سورة والعصر ۱۰۴ - سورة اذا
جاء نصر اله ۱۰۵ - سورة كوثر ۱۰۶ - سورة كافرون ۱۰۷ - سورة مسد
۱۰۸ - سورة قل هو الله احد

که رویهمرفته باحوامیم مسبجات که سه سوره محسوبند مجموعاً
صدود ده سوره میشود و در روایت دیگر سوره و الطور قبل از سوره
الذاریات ذکر شده است.

و هم فضل ابن شاذان از ابن سیرین نقل کرده :

که عبدالله بن مسعود سوره فاتحه الكتاب و سورتین را در محصف خود
نیاورده است و در روایت دیگر نیز فضل ابن شاذان باسناد خود از اعمش
روایت کرده است که او گفت در قرائت عبدالله بن مسعود حرف ع از
(حمسق) حذف شده و حمسق بجای آن گذاشته شده بود.

(ترتیب سوره های قرآن مطابق مصحف عبدالله ابن عباس)

(امثونی در سال ۶۸ هجری)

چون عبدالله ابن عباس که از صحابه جلیل پیغمبر (ص) و پسر عموی آن

حضرت است از مفسرین بزرگ قرآن محسوب و مطابق نوشته ابن طائوس در کتاب سعد السعود و گفته محمد ابن عمر رازی در کتاب اربعین از شاگردان حضرت امیر ۴ نیز بوده است لذا بی تناسب نیست که ترتیب نزول قرآن را طبق مصحف ابن عباس (ص) مطابق آنچه شهرستانی در مقدمه تفسیر خود ذکر کرده است یاد آور شویم و آن اینقرار است :

۱ - سوره اقرآء ۲ - سوره ن والقلم ۳ - سوره الضحیٰ ۴ -
 سوره مزمل ۵ - سوره مدثر ۶ - سوره فاتحه ۷ - سوره تبت ۸ -
 کورت ۹ - سوره اعلیٰ ۱۰ - سوره واللیل ۱۱ - سوره فجر ۱۲ -
 سوره الم نشرح ۱۳ = سوره الرحمن ۱۴ - سوره والعصر ۱۵ -
 سوره کوثر ۱۶ - سوره تکوثر ۱۷ - سوره الدین ۱۸ - سوره فیل ۱۹ - سوره
 کافرون ۲۰ - سوره اخلاص ۲۱ - سوره والنجم ۲۲ - سوره اعمیٰ ۲۳ -
 سوره قدر - ۲۴ - سوره شمس ۲۵ - سوره بروج ۲۶ - سوره والتین
 ۲۷ - سوره قریش ۲۸ - سوره قارعه ۲۹ - سوره قیامه ۳۰ - سوره - همزه
 ۳۱ - سوره مرسلات ۳۲ - سوره ق ۳۳ - سوره بلد ۳۴ - سوره طارق
 ۳۵ - سوره قمر ۳۶ - سوره ص ۳۷ - سوره اعراف ۳۸ - سوره جن
 ۳۹ - سوره یس ۴۰ - سوره فرقان ۴۱ - سوره مائمه ۴۲ - سوره مریم
 ۴۳ - سوره طه ۴۴ - سوره شعراء ۴۵ - سوره نمل ۴۶ - سوره قصص
 ۴۷ - سوره بنی اسرائیل ۴۸ - سوره یونس ۴۹ - سوره هود ۵۰ - سوره یوسف
 ۵۱ - سوره حجر ۵۲ - سوره انعام ۵۳ - سوره صافات ۵۴ - سوره لقمان ۵۵ -
 سوره سباء ۵۶ - سوره زمر - ۵۷ - سوره مؤمن ۵۸ - سوره جم سجده
 ۵۹ - سوره عسق ۶۰ - سوره زخرف ۶۱ - سوره دخان ۶۲ - سوره جائیه
 ۶۳ - سوره احقاف ۶۴ - سوره ذاریات ۶۵ - سوره غاشیه ۶۶ -

سوره کهف ۶۷ سوره نحل ۶۸ - سوره نوح ۶۹ - سوره ابراهیم ۷۰ - سوره
انبیاء ۷۱ . سوره مؤمنون ۷۲ . سوره رعد ۷۳ . سوره طور ۷۴ . سوره
ملک ۷۵ . سوره حاقه ۷۶ . سوره معارج ۷۷ . سوره نساء ۷۸ .
سوره نازعات ۷۹ . سوره انفطرت ۸۰ . سوره انشقت ۸۱ . سوزم رو
۸۲ . سوره عنکبوت ۸۳ . سوره مطفقین ۸۴ . سوره بقره ۸۵ . سوره
انفال ۸۶ . سوره آل عمران ۸۷ . سوره حشر ۸۸ . سوره احزاب ۸۹ -
سوره نور ۹۰ . سوره ممتحنه ۹۱ . سوره فتح ۹۲ . سوره نساء ۹۳ -
سوره اذالزلت ۹۴ . سوره حج ۹۵ - سوره حدید ۹۶ . سوره محمدص ۹۷ .
سوره انسان ۹۸ . سوره طلاق ۹۹ . سوره لم یکن ۱۰۰ . سوره جمعه
۱۰۱ . سوره الم سجدہ ۱۰۲ . سوره منافقون ۱۰۳ . سوره مجادلہ
۱۰۴ - سوره حجرات ۱۰۵ - سوره تحریم ۱۰۶ - سوره تغابن ۱۰۷ -
سوره صف ۱۰۸ - سوره مائدہ ۱۰۹ - سوره توبہ ۱۱۰ - سوره نصر
۱۱۱ - سوره واقعه ۱۱۲ - سوره عادیات ۱۱۳ - سوره فلق ۱۱۴ -
سوره ناس .

ترتیب سوره های قرآنی مطابق مصنف حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام طبق آنچه شهرستانی در مقدمه تفسیر خود ذکر کرده

بقرار ذیل است

- ۱ - سوره اقرآء ۲ - سوره والقلم ۳ - سوره مزمل ۴ - سوره مدثر
- ۵ - سوره تبت ۶ - سوره کورت ۷ - سوره اعلی ۸ - سوره واللیل
- ۹ - سوره والفجر ۱۰ - سوره والضحی ۱۱ - سوره الم نشرح ۱۲ -
- سوره والعصر ۱۳ - سوره والعادیات ۱۴ - سوره کوثر ۱۵ - سوره تکوین
- ۱۶ - سوره الدین ۱۷ - سوره کافرون ۱۸ - سوره فیل ۱۹ - سوره

فلق ٢٠ - سورة ناس ٢١ - سورة اخلاص ٢٢ - سورة نجم ٢٣ - سورة
اعمى ٢٤ - سورة قدر ٢٥ - سورة شمس ٢٦ - سورة بروج ٢٧ - سورة تين
٢٨ - سورة قريش ٢٩ - سورة قارعه ٣٠ - سورة قيمة ٣١ - سورة همزة
٣٢ - سورة مرسلات ٣٣ - سورة ق ٣٤ - سورة بلد ٣٥ - سورة طارق
٣٦ - سورة قمر ٣٧ - سورة ص ٣٨ - سورة اعراف ٣٩ - سورة جن ٤٠ - سورة يس
٤١ - سورة فرقان ٤٢ - سورة مالا نكده ٤٣ - سورة مريم ٤٤ - سورة طه ٤٥ -
سورة واقعه ٤٦ - سورة شعراء ٤٧ - سورة نمل ٤٨ - سورة قصص ٤٩ -
سورة بنى اسرائيل ٥٠ - سورة يونس ٥١ - سورة هود ٥٢ - سورة يوسف
٥٣ - سورة حجر ٥٤ - سورة انعام ٥٥ - سورة الصافات ٥٦ - سورة
لقمان ٥٧ - سورة سبأ ٥٨ - سورة زمر ٥٩ - سورة مومن ٦٠ - سورة
حم سجده ٦١ - سورة حم عسق ٦٢ - سورة زخرف ٦٣ - سورة دخان
٦٤ - سورة جاثية ٦٥ - سورة احقاف ٦٦ - سورة الذاريات ٦٧ - سورة
غاشية ٦٨ - سورة كهف ٦٩ - سورة نحل ٧٠ - سورة نوح ٧١ - سورة
ابراهيم ٧٢ - سورة انبياء ٧٣ - سورة مؤمنون ٧٤ - سورة الم سجده
٧٥ - سورة طور ٧٦ - سورة ملك ٧٧ - سورة حاقه ٧٨ - سورة معارج
٧٩ - سورة نباء ٨٠ - سورة نازعات ٨١ - سورة انفطرت ٨٢ - سورة انشقت
٨٣ - سورة روم ٨٤ - سورة عنكبوت ٨٥ - سورة مطلقين ٨٦ - سورة
بقره ٨٧ - سورة انفال ٨٨ - سورة آل عمران ٨٩ - سورة احزاب ٩٠ -
سورة ممتحنه ٩١ - سورة نساء ٩٢ - سورة اذا زلزلت ٩٣ - سورة حديد
٩٤ - سورة محمد ص ٩٥ - سورة رعد ٩٦ - سورة الرحمن ٩٧ - سورة
انسان ٩٨ - سورة طلاق ٩٩ - سورة لم يكن ١٠٠ - سورة حشر ١٠١ -
سورة نصر ١٠٢ - سورة نور ١٠٣ - سورة حج ١٠٤ - سورة منافقون

۱۰۵ - سوره مجادله ۱۰۶ - سوره حجرات ۱۰۷ - سوره تحریم ۱۰۸ -
سوره صف ۱۰۹ سوره جمعه ۱۱۰ - سوره تغابن ۱۱۱ - سوره فتح
۱۱۲ - سوره توبه ۱۱۳ - سوره مائده

پس تا اینجا بدست آمد که در ترتیب و وضع آیات قرآنی هیچگونه
اختلافی از اول نزول قرآن بین مسلمین نبوده و نیست زیرا آیات قرآن
به همین وضع و ترتیب که در دست عموم مسلمین است با اشاره خود پیغمبر ص
در زمان خود آنسروز تنظیم شده و در پوست های درخت خرما و در
کف های گوسفند و سنگ های سفید نازک بطوریکه قبلا متذکر شدیم
ضبط گردیده است .

و اینها همه متفرق بود تا در زمان ابی بکر و عثمان که بطریقی که قبلا
یاد آور شد بدست در قطعات حر بر و پوست های گوسفند جمع آوری شده است
و اختلاف آنها با هم فقط در ترتیب و تنظیم سور قرآنی بوده است که بعدها
آنهم بر حسب تشخیص و اجتهاد حضرت امیر « ع » و حضرت صادق
با صحابه پیغمبر ص چون ابی کعب و ابن مسعود و ابن عباس
بصورت های مختلفه مذکوره در آمده است که البته هر یک مستند
بدلیل های خاص و تشخیص مصلحت مخصوص بوده است و بهیچ وجه
در ماهیت قرآن و ترتیب وضع آیات سوره های آن کمترین تاثیری نداشته و
ندارد .

چنانچه محمد بن ابی بکر شهرستانی در مقدمه تفسیر خود موسوم
مفاتیح الاسرار با نقل از کتاب استغناء از سعید بن جبیر و یحیی ابن حرث
دیناری روایت کرده است که مقصود از سبع مثانی که در آیه و لقد آتیناک
سبعاً من المثانی آمده است هفت سوره بزرگ بقره - آل عمران - نساء -



مانده انعام اعراف - یونس می باشد .

و چون در منطوق آیه شریفه بضمیمه روایت نامبرده کاملاً مطالعه و دقت کنیم می بایم که ترتیب سوره های هفتگانه مزبور از لحاظ وضع آیات آنها در مواضع خود بطوریکه مشاهده میشود در زمان خود پیغمبر «ص» و بدستور آنحضرت صورت گرفته است که در همین آیه شریفه بانها اشاره شده و تا اینجا بدلیل استقراء برهانا می توان ثابت نمود که وضع و ترتیب آیات تمام سوره های قرآنی بهمین کیفیت است که می بینیم از زمان خود حضرت رسول (ص) بوده است بدون اینکه کسی کمترین تصرفی در آن نموده باشد . چنانچه آیه شریفه انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون را که بموجب آن خدا مقرر ماید :

ما قرآنرا نازل کرده و حافظ و نگهبان آن نیز خودمان میباشیم نیز از قوی دلیل آنست .

اعراب قرآن از چه زمانی شروع شده است

بشهادت تاریخ صحابه پیغمبر «ص» قرآن را از هر چیز حتی از نقطه مجرد ضبط نموده و اعراب کلمات آنرا قبل از اختلاط ملت عرب با ملل دیگر با همان ملکه عربیت درست تلفظی نموده و بفصاحت و بلاغت قرآن که در نفوس آنان تأثیر عظیمی داشت بخودی خود پی میبردند .

پس از اینکه دین مقدس اسلام عالم گیر گشته و امم مختلفه با عرب های متاصل مخلوط شدند خواه ناخواه انواع تلفظ در عبارات قرآن پیدا شد و در اثر حوادث تاریخی دیگری که در دنیای اسلام دست داد طبقه حاکمه صدر اول اسلام منتبه شدند که بایستی قرآن را که اساس دین اسلام است با اعراب معین و تعیین انواع حرکات آن برشته تحریر در آورند .



گرچه در آنوقت ابوالاسود دو تلی که عالم بعلم نحو و فنون
مختلفه ادب بود با دو شاگردان مبرزش یحیی ابن یعمر عدوانی قاضی
خراسان و نصر ابن عاصم لیشی علم نحو را متدرجاً مورد تعلیم و تعلم قرار
داده و از این راه کمک شایانی بجلو گیری از تلفظ قرآن بغلط مینمودند
ولی ابن مقداد برای اینکه به کلی از تلفظ کردن قرآن بغلط جلوگیری
شود کافی نبود، از اینجهت زیاده بن سمیه که آن وقت والی بصره بود از
ابوالاسود دو تلی درخواست کرد که راهی برای جلوگیری از غلط خواندن
قرآن بیندیشد ابوالاسود هم ابتدا از ترس اینکه مبادا با این عمل بدعتی
در دین گذارده باشد از قبول آن امتناع نمود. از اینجهت بود که زیاد مردی
را دستور داد که در راه ابوالاسود بنشیند و چون ابوالاسود نزدیک شود
آیه ان الله بریئی من المشرکین و رسول له را بکسر لام رسول با صدای بلند
بخواند چون چنین کرد ابوالاسود پس از شنیدن گفت خداوند بزرگتر
از اینست که از رسول خدا بیزار باشد این بود که ابوالاسود از همانجا بزد
زیاد آمد و گفت با جابت مسئول تو ناگزیرم اینک نویسنده برای من
بفرست تا مطابق گفت من قرآن را معرب برشته تحریر در آورد زیاد ۳۰
نفر نویسنده تعیین کرد و ابوالاسود یک نفر را از طایفه عبدالقیس که بهتر
از همه تشخیص داد از بین آنان انتخاب نموده دستور داد مشغول نوشتن
قرآن گشته و اعراب آن را بارنگی که غیر از رنگ مرکبی باشد که با آن اصل
قرآن نوشته اند مطابق گفته او بگذارند و با دستور داد که هر وقت دید در تلفظ
کلمات لب های ابوالاسود بتلفظ حرفی باز شد نقطه را در بالا و هر وقت لبها
میل بیابین نمود نقطه را در زیر و چون لبهایش بهم پیوست نقطه را وسط حرف
تلفظ شده بالای آن حرف بگذارند و چون در تلفظ هر یک از حروف غنه
بکار رفت یعنی آن حرف بطور مشدد تلفظ شد دو نقطه بالای آن بگذارند آن گاه

شروع بخواندن قرآن با تائی کامل نمود و نویسنده مبرز مطابق دستور مینوشت و هر صفحه را که نویسنده تمام می کرد ابوالاسود دوباره آن را مورد مطالعه قرار میداد تا بدین منوال نوشتن قرآن بسا اعراب خاتمه یافت.

طریقه مزبور بطوریکه ذکر شد مورد تبعیت عموم مردم قرار گرفت فقط هر وقت حرفی را از حروف حلق (هـ - حاء - خاء - عین - عین) بعد از تنوین میدیدند یکی از دو نقطه را فوق دیگری میگذازند که علامت این باشد که نون را باید ظاهر تلفظ کرد و چون نون بغیر این حال بود نقطه را در سمت دیگر مینهادند که علامت این باشد که باید نون را با اخفاء تلفظ نمود بعد از آن اهل مدینه برای حروف مشدد قرآنی علامت (—) که بشکل کمان است بدون نقطه اختراع نمودند و برای سکون علامت (~) اختراع کردند بطوریکه در صورت جدا بودن حرف ساکن از متحرك خواه همزه باشد یا غیر آن علامت نامبرده سکون در بالای حرف منفصل و جدا بطور افقی گذاشته شده و در صورتیکه قبل از آن فتحه متصل بهمزه وصل بوده باشد علامت مزبور فوق حرف ساکن و در صورتیکه قبل از کسره باشد علامت مزبور در زیر حرف ساکن و در صورتیکه قبل از حرف ساکن ضمه باشد علامت سکون در وسط حرف ساکن بدین شکل (اَ اِ اِ) نهاده شود.

(نقطه گذاری قرآن)

در زمان عبدالملک ابن مروان اموی چون مدتی بود از تاریخ نزول قرآن گذشته بود و از صحابه پیغمبر (س) نیز یکی دو نفر بیشتر باقی نمانده بود از اینجهته خواندن کلمات متشابه قرآن بدون نقطه که تا آنوقت آسان

بود بسیار دشوار گشت مثلاً وقتی بکلمات : نشز ها و لمن خلقك میرسیدند
 نمیدانستند اولی را به زاء معجمه بخوانند بایه راء مهمله و دومی را
 به فاء موحده بخوانند یا بقاف مشناة از اینجمله حججاج ابن
 یوسف که در آن زمان امیر عراق بود بناچار به نویسندگان خود مراجعه
 نموده و از آنها خواست که برای تمیز حروف متشابه قرآن علامتاتی
 وضع نمایند و مخصوصاً در بین کتاب و نویسندگان خویش :

نصر ابن عاصم لثبی و یحیی ابن یحیی این امر عدوانی دو شاگرد ابو-
 الاسود دوتلی را که بقدری بدبانت و تقوی شهرت داشتند که تهمت بی
 دینی و لایبالی گری در دین بهیچوجه بآنها نمی چسبید برای اینکار بر-
 گزید که در عین اینکه بر مردم آن زمان بسیار دشوار بود که کسی چیزی
 در مصحف عثمانی چنانکه بود بیفزاید و در عین اینکه ثقات مسلمین
 در همان اصلاح اعرابی که ابو الاسود دوتلی بشرحیکه مرقوم افتاد حرف
 داشتند یحیی و نصر باصلاح دوم عبارات قرآن را لحاظ نقطه گذاری کلمات
 مشغول و نقطه گذار بپای زوج و فرد را شروع نمودند تا حروف متشابه
 قرآنی چنانکه امروز می بینیم از هم متمایز گشت.

ولی چون بطوریکه گذشت اعراب قرآن نیز بواسطه یکنوع نقطه
 گذاری بوسیله ابو الاسود صورت گرفت از اینجهت در نقطه گذاری قرآن
 برای تمیز حروف بی نقطه از با نقطه یا موحده از مشناة و مشناة از مثلثه و امثال
 ذالک مقرر گشت رنگیکه رای نقطه های کلمات معجمه (با نقطه) قرآن انتخاب
 میشد غیر از رنگی بوده باشد که قبلاً برای حرکات اعرابی انتخاب شده بود و
 مخصوصاً از استعمال رنگ سیاه که متن مصحف عثمانی با آن نوشته شده بود
 اجتناب داشتند و همزه ها را برنگ زرد مینوشتند که مصحف اهل مدینه
 بدینسان دیده شد.



ثمان این سعید دانی در کتاب مقنع گفته است در صورتی که رنگ سبز برای همزه های وصل اتخاذ شود چنانکه شیوه اهل دانیه همشهریان ماست مانعی بنظر نمیرسید (دانیه از شهرهای اندلس است) از این رو اهل اندلس چهار رنگ برای رسم الخط قرآن انتخاب نموده بودند: (۱) رنگ سیاه برای حروف (۲) رنگ قرمز برای حرکات بشکل نقطه (۳) رنگ زرد برای همزه های قطع (۴) رنگ سبز برای همزه های وصل.

(مختصری از ترجمه احوال قراء مشهور و هفت گانه قرآن)

در اینجا تناسبی نیست که اشاره بشرح مختصر احوال قراء معتکفانه مشهور با ذکر تاریخ ولادت و وفات هر یک بشود.

۱ - نافع ابن عبدالله ابن ابی نعیم ثمی می باشد که قرآن را بر هفتاد نفر از تابعین قرائت نموده است که از جمله آنها عبدالرحمن ابن هرمز اعرج و مسلم ابن جندب بوده اند و عبدالرحمن قرآن را نزد ابن عباس و ابی هریره خوانده و این دو قرآن را برای بن کعب قرائت نموده و ابی بن کعب قرآن را بر خود حضرت رسول (ص) خوانده است.

نافع در سال ۷۰ هجری متولد و در سال ۱۶۹ یا ۱۶۷ وفات یافت اصلا اهل اصفهان و مردی سیاه چهره بود و در قرائت قرآن در زمان خود در شهر مدینه سمت امامت و پیشوائی مسلمانان را داشت.

سعید ابن منصور از هالك ابن انس روایت کرده است که او گفت قرائت اهل مدینه برای آنکه مطابق قرائت نافع می باشد سنت است.

عبدالله ابن احمد روایت کرده است که از پدر خود از بهترین قرائت ها سؤال کردم گفت قرائت اهل مدینه گفتیم اگر آن میسر نشود گفت قرائت عاصم.

راویان قرائت نافع دو نفرند : اول قالون که بزبان رومی بمعنای
جید القرائة (مردیکه خوب قرآن بخواند) می باشد و چون قرائت او
ممتاز بوده است از اینرو بقالون از طرف نافع که شوهر مادرش بود ملقب
گشت و بدان لقب شهرت یافت .

نامش علی ابن موسی و کنیه اش ابو موسی است که در سال
۱۲۰ هجری متولد و در سال ۲۲۰ هجری وفات یافت و مدت پنجاه
سال قرآن را بر نافع قرائت نمود و پس از وی قاری مخصوص شهر مدینه
و عالم نحوی آن شهر شمرده میشود .

در جمله حالانش گفته اند باینکه بقدری کربود که صدای بوق را
هم نمی شنید هر کس نزد او قرآن می خواند صدایش را می شنید .

قالون می گفت من چندین دفعه قرآن را نزد نافع قرائت کرده و آنرا بنظر
او می نوشتم تابالآخره مرا گفت چقدر برهن میخوانی برخیز و یکی از
ستون های مسجد را اشغال کن تا اشخاصی را نزدت بفرستم که برتو
قرآن را قرائت کنند .

راوی دوم نافع عثمان ابن سعید مصری ملقب به ورش بود که
کنیه اش را ابوسمید یا ابو عمر و بعضی ابوالقاسم گفته اند در ۱۱۰ هجری
متولد و در سال ۱۹۷ وفات یافت وی برای قرائت قرآن بر نافع از مصر به
مدینه مسافرت نمود و پس از اینکه چندین دفعه قرآن را نزد نافع قرائت
کرد در سال ۱۵۵ بمصر مراجعت نمود و ریاست قرائت قرآن آن سامان
بوی مفوض شد و در عربیت و معرفت تجوید قرآن بقدری استاد بود که
منازع و منکری نداشت و در عین حال بسیار خوش صوت هم بود .

یونسی ابن عبدالله علی گوید ورش مردی خوش صوت بود
و بقدری قرآن را خوب میخواند و همزه ها و مدها و تشدیدهای قرآن را



با اعراب آن خوب ادا میکرد که هر قدر قرآن را زیادتر میخواند بهیچوجه بشنوده علالت دست نمیداد .

۴ - ابن کثیر که نامش عبدالله ابن کثیر ابن عمر ابن زادن و کنیه اش ابو محمد بوده است در ۶۵ هجری متولد و در سال ۱۲۰ وفات یافت .

ابن کثیر قرآن را بر عهد الله ابن ثابت ابن ثابت مخزومی قرائت نمود و وی بر ابن کعب و عمر ابن الخطاب قرائت کرد و آنان بر خود پیشه میرص قرائت نموده بودند

ابن کثیر در مکه سمت امامت و پیشوایی قرائت قرآن داشت بدون اینکه معارض و منازعی داشته باشد او مردی فصیح و بلیغ و گندمگون و عظیم الجثه و دراز اندام و باسکینه و وقار و دارای محاسنی سفید بود و از صحابه پیغمبر (ص) عبدالله ابن زبیر و ابو ابوب انصاری و انس ابن مالك را ادراک نموده بود .

راویان ابن کثیر دو نفر مشهور به بزی و قنبل بوده اند .
بزی نامش احمد فرزند عبدالله ابن قاسم و مؤذن و امام و معلم قرائت قرآن در مسجد الحرام بوده است کنیه اش ابوالحسن و در سال ۱۷۰ هجری متولد و در سال ۲۵۰ وفات یافت .

بزی مردی بود عادل و فقه و در علم قرائت قرآن با ضبط و اتقان بود که سمت شیخوخیت قرائت قرآن در مکه معظمه که خود منصب مهمی بوده است بوی منتهی گشت .

بزی قرآن را بر عکرمته ابن سلیمان مکی و عکرمته بر ابن کثیر قرائت نموده است .

قنبل نامش محمد فرزند عبدالرحمن ابن محمد مخزومی مکی

و کنیه اش ابو عمر و ملقب به قنبل می باشد .

قنبل در سال ١٩٥ هجری متولد و در سال ٢٩١ وفات یافت .
شیخ قرائت قرآن در حجاز و مردی با ضبط و اتقان بوده است و
مردم از اطراف جهان بسمت وی برای فراگرفتن علم قرائت رهسپار
می شدند .

قنبل علم قرائت را بر ابو الحسن احمد قواس و ابو الحسن بر
ابو اخیوط و ابو اخیوط بر قسط و قسط بر حسب اخبار شخص خودش
بر شبیل و شبیل بر این کثیر خوانده است .

٣-١ و عمرو نامش زبان بن علاء بن عمار که در سال ٦٨
هجری متولد و در سال ١٥٤ وفات یافت .

وی قرآن را بر جماعتی قرائت نمود که از جمله آنها ابو جعفر
زید بن قهقاع و حسن بصری بوده اند حسن بصری قرآن را بر
حطان و ابی العالیته قرائت نمود و ابی العالیته بر عمر ابن خطاب و
ابی ابن کعب قرآنرا خوانده است :

ابو عمرو عالمترین مردم زمان خود بعلم قرائت و ادبیت بوده است
و در راستی و درستی و امانت و دیانت مشهور و مورد ثوق و اطمینان مسلمانان
زمان خود بود .

گویند روزی حسن بصری بروی گذشته دید مردم دورش حلقه
زده اند گفت لاله الا لله . عنقریب علماء دین سمتی بزرگ خواهند یافت
هر عزتیکه مؤکد بعلم و دانش نشود بالمآل بذلت تبدیل خواهد شد .
از سفیان ابن عیینیه روایت شده است که گفت شبی پیغمبر (ص) را بخواب
دیدم و عرض کردم یا رسول الله مردم قرآنرا بلسانهای مختلف میخوانند

مرا بکدام قرائت امر میفرمائی فرمود بقرائت ابی عمر و ابن علاء
راویان ابو عمر و یکی دوری و دیگری سوسی است
دوری کنیه اش ابو عمر و نامش حفص بن عمر و و معلم علم
قرائت و کور هم بوده است و دوری منسوبست بدور که جائیست در
قسمت شرقی بغداد .
وی در عصر خود امام علم قرائت بوده است و او را شیخ قرائت
می گفتند :

او مردی ثقه و با ضبط و زر گوار بوده و اول کسی است که قرائت های مختلفه
قرآن را جمع نمود و واضح آنست که دوری در ماه شوال ۲۴۶ هجری وفات یافت
(۲) سوسی کنیه اش اوشعیب صالح ابن زیاد بوده است و
نسبتش بسوس اهواز است که فعلاً آنرا شوش میگویند و بنا بر این سوس
مغرب شوش است .

سوس مردی با ضبط و اتقان و ثقه بوده است و در علم قرائت از
بزرگترین اصحاب یزیدی بود و سنین عمرش نزدیک نود سال بوده و
وفاتش سال ۱۶۱ هجری میباشد .

۴ - عبدالله ابن عامر یحصبی دمشقی - کنیه اش ابو نعیم و بعقیده
بعضی ابو عمر ان است که امام مسجد دمشق و قاضی آن بوده است .
ابن عامر خودش از تابعین بوده و از صحابه یکی و الله ابن اشقع
و دیگر نعمان ابن بشیر را هلاقات نموده است .

بعقیده یحیی ابن حازم ذماری ابن عامر قرآنرا بر عثمان
خوانده که او بر پیغمبر (ص) قرائت نموده بود .

تولدش در سال ۲۱ هجری و وفاتش در دمشق در سال ۱۱۸
روز عاشورا بوده است و البته اقوال دیگری هم در این باب می باشد .

ابن عامر در زمان عمر بن عبدالعزیز و قبل و بعد از آن امام
مسلمین در جامع اموی دمشق بوده است و عمر ابن عبدالعزیز که
حسب ظاهر خلیفه اموی بوده گاهی به او اقتدا میکرد ابن عامر در دمشق
که در آن زمان دارالخلافه و مرکز علماء و تابعین بود بین سه منصب:
امامت - قضا - شیخوخیت علم قرائت قرآن جمع کرده بود.
راویان ابن عامر یکی هشام و دیگر ابن زکوان بوده اند.
(۱) هشام - فرزند عمار ابن نصیر سلمی قاضی دمشقی مکنی به ابوالولید
بود که قرائت ابن عامر را بوسیله عراق ابن خالد بن مزنی از یحیی ابن
حارث ذماری از ابن عامر فراگرفت وی از دانشمندان و خطبه‌ای دمشق
بود.

هشام مفتی و محدث و پیشوای علم قرائت در دمشق بود.
عبدان گوید از وی شنیدم که گفت در بیست سال خطیبی خود
هیچ خطبه را دوبار تکرار نکردم هشام در سال ۱۵۳ هجری متولد و در سال
۲۴۵ وفات یافت.

(۲) ابن زکوان - عبدالله ابن بشیر ابن زکوان قرشی دمشقی بود
و کمیته اش ابو عمر است.

وی قرائت عامر را بوسیله ایوب ابن تمیم تمیمی از یحیی ابن
حارث ذماری از ابن عامر فراگرفت و بعد از ایوب بن تمیم شیخ القرائه
در شهر دمشق بود.

ابودزاعه حافظ دمشقی گوید بعقیده من در زمان ابن زکوان در
عراق و حجاز و شام و مصر و خراسان استاد تراز او در علم قرائت قرآن
کسی نبوده و صواب آنستکه تولدش در سال ۲۰۲ هجری در روز عاشورا

و وفاتش در شوال سال ۲۷۳ بوده است.

۵- عاصم - عاصم ابن ابی النجودین بهدله از بنی خزیمه بن مالک بن نضر مکنی به ابی بکر میباید
عاصم علم قرائت قرآن را از ابی عبدالرحمن عبدالله ابن حبیب سلمی و ابی عبدالرحمن از علی ابن ابی طالب (۴) و ابی ابن کعب و عبدالله ابن مسعود و زید بن ثابت آموخت
عاصم جامع بین فصاحت و اتقان بود و در تجوید قرآن خیلی استاد و با نهایت حسن صوت قرآنرا قرائت مینمود.

عبداله ابن احمد گوید از پدرم پرسیدم عاصم چگونه کسی بود گفت مردی صالح و تقه یعنی محل و ثوق مسلمانان زمان خود بود ابن عیاش گوید چون در حال احتضار بر عاصم وارد شدم دیدم این آیه را بیای میخواند « ثم ردوا الی الله مولیهم الحق » سال ولادتش معلوم نیست و وفاتش بقولی آخر سال ۱۲۷ و بقول دیگر در ۱۲۸ هجری بوده است.

راویان عاصم (۱) شعبه (۴) حفص میباید (۱) شعبه کتبه اش ابوبکر بن عیاش ابن سالم اسدی است و نامش را بعضی محمد و بعضی مطرق گفته اند تولدش در سال ۹۵ و وفاتش در سال ۱۹۳ هجری قمری است.

گویند در موقع وفاتش خولهرش میگریست فوراً او را گفت چرا گریه میکنی! نظر به آن زاویه بیفکن که من در آن هیجده هزار ختم قرآن کرده ام.

(۴) حفص ابو عمر حفص ابن سلیمان بن مفره زاز بوده است
حفص قرآنرا پنج آیه پنج آیه از عاصم مانند کودکی که از معلمی

بیاورد فراگرفت تا در بین اصحاب عاصم بقرائت او اعلم گشت حفص
مردی عالم و عامل و پسر زن عاصم بوده و بعقیده یحیی ابن معین صحیح ترین
روایت در باب قرائت عاصم از ناحیه حفص است تولدش در سال ۹۰ و
وفاتش در سال ۱۸۰ هجری قمری بوده است.

۶ - حمزه است که حبیب ابن عماره بن زیات تیمی مولای
عکرمه ابن ربیع تیمی بوده باشد و کنیه اش ابو عماره است
حمزه قرآن را برای محمد سلیمان بن مهران اعمش خواند و
اعمش بر محمد یحیی ابن وثاب اسدی و یحیی برای شبل علقمه بن
قیس و علقمه بر عبدالله بن مسعود و ابن مسعود بر پیغمبر ص قرائت
نموده بود

حمزه در سال ۸۰ هجری متولد و در سال ۱۵۶ وفات یافت و
در کوفه سمت امامت و پیشوائی علم قرائت را بعد از عاصم و اعمش
داشت وی مردی بزرگوار بود و باورع و زاهد و عابد و با خضوع و
خشوع و حافظ حدیث و عالم به عربیت و عارف با حکام الهی بود.
از عراق روغن بخلوان و از آنجا پنیر و گردو بکوفه حمل می
نمود و از این راه ارتزاق می کرد

ابو حنیفه بدو همواره می گفت که تو در دو چیز بر ما تفوق
داری یکی علم قرائت قرآن و دیگری علم بفرائض و احکام الهی که ما
هرگز دو این دو بانو در نمی افیم
هر وقت استادش اعمش او را می دید می گفت این مرد عالم بزرگ
قرآنست

حمزه می گفت من در دوره عمر خود هیچ آیه از قرآن راجز
با علم و اثر نخوانده ام

راویان حمزه یکی خلف و دیگری خلاص بوده اند و سلیم گفته است که ابو خلف بن خلف ابن هشام ابن طالب بزاز در سال ۱۵۰ هجری متولد و در سال ۲۲۹ هجری جمادی الاخر وفات یافت و در سن ۱۳ سالگی شروع به تحصیل نموده و در سال ۲۹۰ سالگی عالم بر علم قرآن کشت ولی پیشوائی بزرگ و ثقه و بازهد و تقوی بوده است
خلاص ابو عیسی بن خالد صیرفی است که در سال ۲۲۰ هجری وفات یافت مردی محقق و امام در علم قرائت و ثقه و عارف بوده است.

دانی گوید: خلاص با ضبط و اتقان ترو بزرگوارترین اصحاب سلیم بود.

۷- کسایی - مکنی به ابو الحسن علی ابن حمزه است که از اساتید علم نحونیز می باشد - اصلا ایرانی بود و گویند او را از این جهة کسایی گفته اند که در کساء خویش محرم شد
کسایی قرآن را بر حمزه خواند و بر او اعتمادی بسزا داشت و نقل است که کسایی قرآن را چهار بار بر حمزه خواند و گذشته از حمزه از محمد یزائی لیلی و عیسی ابن عمر نیز علم قرآن را گرفت که عیسی ابن عمر نیز بر عاصم قرائت کرد
وفاتش بنا بر مشهور در سال ۱۸۹ هجری بوده است

کسایی در زمان خویش امام علم نحو و اعلم زمان خود در علم قرآن بوده است

ابو بکر انباری گوید کسایی استادترین مردم زمان خود در نحو و در علم قرآن از هر جهة در زمان خویش یکتا بود و چون مردم

در فرا گرفتن علم قرآن بروی تهاجم می نمودند از این جهت بر کرسی می نشست و در حالی که مردم بدورش گرد آمده بودند بر آنها قرآن را تلاوت می نمود و آنها نیز سرابا بوی گوش داده حتی مبادی و مقاطع قرآنرا از او فرا میگرفتند و این معین گویند کسی را در زندگی با صدق آنچه تر از کسائی نیافتیم

راویان کسائی یکی ابوالحارث و دیگر دوری بوده اند
ابوالحارث موسوم به لیث بن خالد مروزی بود که قرآنرا بر
کسائی خواند

وفاتش در سال ۲۴۰ هجری و در علم قرائت مردی با ضبط و ثقه بود
و بقول حافظ ابوعمر از اجله اصحاب کسائی شمرده میشود
احوالات دوری نیز ضمن تشریح احوال ابی عمر که دوری از
راویان او هم بوده است گذشت و تا این جا شرح احوال قراء سبعه
قرآن و راویان آنان تمام شد

«ترجمه قرآن بزبان های خارجی»

قرآن در اروپا از راه اندلس وارد شده و از قدیم ترین مترجمی که قرآن را به لاتینی ترجمه کرد شخصی بنام «رابرت کنت» Robert Kennett شناخته شده است که بادستاری بطرس ظلیطلی Pedro di Toledo که مردی عالم بلغت و زبان عربی بوده به ترجمه قرآن بزبان فرانسه موفق گشت و منظور از ترجمه قرآن در آن اوان نوشتن رد و ایراداتی نسبت به مندوجات آن و عرضه بر «دی کلونی» Di Cluniy روحانی بزرگ مسیحی بوده است «۱۵۰۹» در سال ۱۵۹۴ میلادی «هنکلمن» Hinckelmann ترجمه ای برای قرآن که توام با

ایرادات و اعتراضات بر آن بوده است نوشت که نسخه از آن در جامعه علمی و تبلیغی امریکائیان مورد ملاحظه قرار گرفت و چون در آن نسخه اعتراضاتی بنظر بعضی از محققین رسیده از همانجا میل به ترجمه قرآن بزبانهای لاتینی درفضلا و دانشمندان مغرب زمین پیداگشته و کم کم بترجمه قرآن مجید به زبانهای مختلف فرانسه و انگلیسی و آلمانی و ایتالیائی و روسی بحدی شروع شد که امروز بکمتر زبانی است که قرآن کریم بآن ترجمه نشده باشد.

از قدیمترین ترجمه های قرآن که به انگلیسی است مترجم آن شخصی بنام «سایل» Geo Salee است که (در سال ۱۷۳۴ م) آنرا ترجمه نموده و با اینکه مقید به ترجمه تحت الفظی نبوده است این ترجمه از نفیس ترین و نافع ترین ترجمه های قرآن مجید در زمان خود بشمار میرود.

تاریخ قرآن بزبان های خارجی

مهمترین چیزیکه در تاریخ قرآن بزبان خارجه نوشته شده کنایست که استاد دانشمند آلمانی «نولدکه» Theodor Noldeke مستشرق معروف آلمان بزبان آلمانی نوشته است :

«نولدکه» اگرچه در آن کتاب مطالب قابل اعتراض و مواخذه که معلوم است از روی فکر و بحث نوشته نشده و از استادی چون او بعید است بسیار ایراد نموده ولی اگر از در انصاف نگذریم مطالب ذبیهت زیادی هم متذکر شده است «نولدکه» در کتاب خود از حقیقت نبوت و وحی و شخصیت پیغمبر ص و نزول قرآن و تاریخ نزول سوره های قرآنی مکی و مدنی مباحثی عنوان کرده است که حکایت از اطلاع وسیع

مشارالیه در موضوع فوق می نماید و در این مباحث غالباً از کتب عربی و مخصوصاً از کتاب (ابوالقاسم عمر بن محمد بن عبدالکافی) که از دانشمندان دینی قرن پنجم هجری است استفاده کرده است ولی در عین حال مطالعه کتاب مزبور برای اشخاصی که طالب تحقیق در این مباحث اند بسیار مفید و سودمند می باشد.

نکته که نویسنده در این کتاب متذکر شده است اینست که جنگهای پیغمبر ص در صدر اسلام مانند غزوات بدر واحد و خندق و امثال آن و همچنین اختلاف لجه های قرآن مجید و اسلوب های خطابی مختلف آنرا برای فهم تاریخ نزول آیات رسور قرآنی از مدارک و دلائل مهم شمرده است.

مثلاً می گوید خطابهائی که در قرآن بلفظ «یا ایها الناس» و با شدت ذکر شده است در اول نبوت پیغمبر ص نازل گشته که عدد مسلمانان در آن وقت کم بودند و خطابهائیکه بلفظ «یا ایها الذین آمنوا» و مخصوصاً توأم با آیات رحمت ذکر شده است بعد از زیادتی عدد مسلمانان نازل گردیده.

(نویسنده) بالاخره در بحث تحلیلی خود در باب اخبار و روایات و احادیث و اقوال مفسرین در تاریخ آیات و سور قرآنی بدواً ایجاد شک و تردید نموده و در پایان بحث از مجموع آنها در تنظیم سور قرآنی و تقسیم آنها به هکی و مدنی ترتیب جدیدی را اتخاذ نموده است که بطور مشروح ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.

ترتیب سوره های هکی بعقیده نویسنده

- ۱ - سوره علق ۲ - سوره قلم ۳ - سوره مزمل ۴ - سوره انشقاق
- ۵ - سوره ابی لهب ۶ - سوره تکویر ۷ - سوره اعلی ۸ - سوره واللیل

۹. سوره فجر ۱۰ - سوره والضحي ۱۱ - سوره انشراح ۱۲ - سوره عصر
۱۳ - سوره عاديات ۱۴ - سوره كوثر ۱۵ - سوره تكانثر ۱۶ - سوره ماعون
۱۷ - سوره كاثرون ۱۸ - سوره فيل ۱۹ - سوره فلق ۲۰ - سوره
ناس ۲۱ - سوره اخلاص ۲۲ - سوره والنجم ۲۳ - سوره اعمى ۲۴ -
سوره قدر ۲۵ - سوره شمس ۲۶ - سوره بروج ۲۷ - سوره نين ۲۸ -
سوره قريش ۲۹ - سوره قارعه ۳۰ - سوره قيمه ۳۱ - سوره همزه ۳۲ -
سوره مرسلات ۳۳ - سوره ق ۳۴ - سوره اسد ۳۵ - سوره والطارق
۳۶ - سوره قمر ۳۷ - سوره ص ۳۸ - سوره اعراف ۳۹ - سوره جن
۴۰ - سوره يس ۴۱ - سوره فرقان ۴۲ - سوره مائلكه ۴۳ - سوره
مريم ۴۴ - سوره طه ۴۵ - سوره واقعه ۴۶ - سوره شعرا ۴۷ - سوره
نمل ۴۸ - سوره قصص ۴۹ - سوره نبى ۵۰ - سوره يونس ۵۱ - سوره
هود ۵۲ - سوره يوسف ۵۳ - سوره حيجر ۵۴ - سوره انعام ۵۵ - سوره
صافات ۵۶ - سوره لقمان ۵۷ - سوره سبأ ۵۸ - سوره زمر ۵۹ - سوره
مؤمن ۶۰ - سوره فصلت ۶۱ - سوره شورى ۶۲ - سوره زخرف ۶۳ -
سوره دخان ۶۴ - سوره جاثيه ۶۵ - سوره احقاف ۶۶ - سوره زاربات
۶۷ - سوره غاشيه ۶۸ - سوره كهف ۶۹ - سوره نحل ۷۰ - سوره نوح
۷۱ - سوره ابراهيم ۷۲ - سوره انبياء ۷۳ - سوره مؤمنون ۷۴ - سوره
سجده ۷۵ - سوره والطور ۷۶ - سوره ملك ۷۷ - سوره الحاقه ۷۸ -
سوره معارج ۷۹ - سوره نباء ۸۰ - سوره نازعات ۸۱ - سوره انفطار
۸۲ - سوره انشقاق ۸۳ - سوره روم ۸۴ - سوره عنكبوت ۸۵ - سوره
مطففين.

ترتيب سوره هاى مدنى بعقيده تولد گه

۱ - سوره بقره ۲ - سوره انفال ۳ - سوره آل عمران ۴ - سوره



احزاب ۵ - سوره ممتحنه ۶ - سوره نساء ۷ - سوره زلزال ۸ - سوره محمد
۹ - سوره رعد ۱۰ - سوره الرحمن ۱۱ - سوره دهر ۱۲ - سوره طلاق ۱۳ -
سوره بینه ۱۴ - سوره حشر ۱۵ - سوره نصر ۱۶ - سوره نور ۱۷ - سوره حج
۱۸ - سوره منافقون ۱۹ - سوره مجادله ۲۰ - سوره حجرات ۲۱ - سوره
تحریم ۲۲ - سوره جمعه ۲۳ - سوره تغابن ۲۴ - سوره صف ۲۵ - سوره فتح
۲۶ - سوره مائده ۲۷ سوره توبه .

گفتگو در فواتح بعضی سوره های قرآن مجید

اگر چه حق آنست که این مبحث که از مباحث مشکله قرآن مجید
است در قسمت تفسیر قرآن مورد بحث و گفتگو واقع شود چنانچه
اغلب کتب تفسیر مانند تفسیر مجمع البیان و تفسیر صافی از کتب تفسیر
شیعه و تفسیر طبری و غیره از اهل سنت محققانه آنرا مورد بحث قرار
داده اند لکن چندان بی تناسب ندید که در اینجا نیز بحث مختصری
از آن بمین آید:

در باره فواتح سوره های قرآنی مانند ق ، ص ، حم ، طسم ، در بین
مفسرین سخن بسیار است و همین اقوی دلیل بر غامض بودن این مسئله
می باشد .

ابن عباس میگوید «الم» حم ، ن ، اسامی مقطعی است که
ضمن هر یک بر معنائی اشاره شده است مثلاً میگوید معنای «الم» انالله
اعلم یعنی منم خدای ، دانا بر همه چیز می باشد .

عکرمه گوید «الم» «حم» اشاره به این است که سوره قبل پبایان
رسیده است .

محمی الدین شرف نووی در کتاب تهذیب الاسماء واللغات ص ۷۲

جزء اول چاپ مصر در باره «حم» گفته است در لفظ «حم» پنج تاویل وارد شده :

اول آنکه «حم» اسمی از اسمهای خداوندی است که پروردگار بآن قسم خورده و این معنی از ابن عباس روایت شده است .

دوم آنکه «حم» اسمی از اسمهای قرآن است و این از قتاده رسیده .

سوم - آنکه حروف مقطه از اسامی رحمن و رحیم آفریدگار است .

چهارم آنکه «حم» نام محمد ص است و این قول مروی از حضرت صادق (ع) نیز می باشد .

پنجم - آنکه صرفاً این کلمات وسیله افتتاح سوره های قرآنی است مانند فصل و باب که در افتتاح مباحث سایر کتب معمول می باشد .

طبری در تفسیر خود از قول جماعتی نقل کرده که چون هشرکان بیگدیگر توصیه کرده بودند که از شنیدن قرآن اعراض نمایند از این جهت خداوند در بعضی از سوره های قرآن باین کلمات ابتدا فرمود تا بگوشهای مشرکین تازه و بدیع آید و گوشها فرا دهند و بدین وسیله آیات قرآنرا استماع نمایند .

و نیز نووی از قتاده روایت کرده است که «ق» اسمی از اسمهای قرآن است و ابوعمیده و زجاج گفته اند که این فواتح سور اشاره بآنست که چنانچه سایر کتب از همین حروف هجا تلفیق و بهمین حروف ابتدا شده است آیات قرآن نیز از همین حروف ترکیب و سور قرآنیه هم بهمین حروف افتتاح شده است .

فراء و زجاج از قول گروهی از مردم مدینه گفته اند
که معنی (ق) قضی الله ماهو کاین است یعنی هر چه در عالم کون
دست دهد قضای الهی بر آن جاری شده بر این سخن باین شعر استشهاد
کرده اند: «قلت لها قفی فقات قاف» یعنی او را گفتم بایست او در پاسخ
گفت قاف یعنی «قضی الله ماهو کاین» .

ابن طاوس در کتاب سعد السعود از جزو اول شرح تساویسل
القرآن و تفسیر معاینه تصنیف ابی مسلم محمد بن بحر اصفهانی در
باب تفسیر حروف مقطعه «الم و غیره» چنین نقل کرده :

مقصود از آوردن این فواتح سور در قرآن اینسکه پروردگار
خواست بکفار و دشمنان اسلام بفرماید کلمات و جملات این قرآن از
همین حروفیکه دائماً با آن تکلم میکنید ترکیب یافته و با این وصف
قاهدتا نبیستی از آوردن مثل این کتاب کریم و لا اقل یک سوره از آن عاجز
باشید و حال آنکه با اینک خداوند کریم فرموده است اگر در حقانیت آن
شک دارید یک سوره مثل آن بیاورید معذالك کسی نتوانست عملاً آنرا پاسخ
دهد و این خود دلیل بر آن است که حق تعالی با نیروی الهی آنرا از
آوردن مانند قرآن بلکه یکسوره و یک آیه از آن عاجز و ناتوان
ساخته است . که سید مرتضی ره از اینمعنی به کلمه (صرفه) تعبیر
فرموده است

نمیتوانست که اگر چنین بود خداوند بآوردن حروف مقطعه
در یک سوره اکتفا مینمود زیرا از عادت عربست که برای جلب توجه در
مطالب تکرار می نماید و قرآن هم که بزبان عربی نازل شده بایستی این
عادت را رعایت کند .

بنظر ما بهترین آراء در باب فواتح سور قرآنی یکی این نظر
و دیگری نظر طبری است که قبلاً ذکر شد و با آراء اکثر قریب بانمام
علمای شیعه نیز موافق است چنانچه از مطالعه مطالب تفسیر مجمع البیان و تفسیر
صافی و مانند اینها موضوع کاملاً روشن خواهد گشت.

والله اعلم پایان

جدول خطاه و صواب

از خوانندگان محترم خواهشمند است اگر در طی مطالعه این کتاب عبارات غلط و نارسائی دیدند باین غلط نامه مراجعه نمایند یا قبلاً تصحیح نمایند.

صواب	سطر خطاء	صفحه	
تصريح	۲۱	ز	
ابى ملك	الى ملك	۳	ح
ابراهيم	ابراهيم	۱	ی
کتاب	کتاب	۴	«
برشته	برسه	۱	يب
اولا	اور	۶	«
وغيره بوده است	وغيره	۱۹	«
مطالب	ومطالب	۲۰	«
قسمت	قسمتى	۲۳	«
مقدمه (۲)	مقدمه	۴	۱
پیغمبر بزرگوار «ص»	پیغمبر «ص»	۱۴	۲
دراین	دران	۲۲	«
در قسمت اعظمی از جهان	در نیمی از جهان	۲۳	۳
آنحضرت	آنحضرت	۶	۷
تقریباً	تقریباً	۱۹	۸
و	او	۲۲	«
مناط	منات	۱۳	۹
تاریخ قرآن «ابتدای نزول قرآن»	تاریخ قرآن	۱۲	۱۲

صواب	خطاء	سطر	صفحه
دراول زمان	دراول	۱۴	۱۲
واهل شرك را.	واهل اشرك را	۱۷	۱۳
بمپان	پهن	۲۰	۱۴
باروز قدر یکی بوده است	روز قدر بوده است	۲۲	۴
فاتحة الكتاب	فاتحة الكتاب	۶	۱۵
الاله	الاله	۲۰	۴
که ده آیه اول آن	که ده آیه آن	۴	۱۸
زیرا در آن	زیرا در این	۱۷	۴
لقد قرأه علی الناس علی مکت	تقرله علی الناس علی مکت	۱۱	۱۹
و سورهائی	و سوره های	۲۱	۴
سوره توبه	سوره توبه	۴	۲۰
بود	لود	۱۴	۲۱
يجدونہ	بجدونه	۱۹	۴
سبعة	سبعة	۲	۲۲
فی البيت	فی البت	۱۱	۴
و همچنین	و همچین	۱۵	۴
باحسان	باحان	۱۹	۴
برده است؟	بوده است	۴	۲۳
چشمانش	چشمش	۵	۴
حدیث	عدیث	۱۵	۴
منافی با	منافی	۲۰	۴

صواب	خطاء	سطر	صفحة
میشود	شود	۲۲	«
ابن	ابن	۱۶	۲۴
یعنی	بعنی	۱۶	«
میتوانید	میتوانند	۲۱	«
وبعضی	بعضی	۲۲	«
ناشئة	ناشة	۲	۲۵
قبلا	قبلا	۳	«
آیه از قرآن	آیه از قرآن	۱۱	«
وکسانی	وکس نی	۲۲	«
امة	امته	۹	۲۶
کعب	کعب	۴	۲۷
حویطب	حریطت	۷	«
عمرو	عمر	۷	«
طلحة بن	طلحة ابن	۷	«
وابوسفیان	دادسفیان	۸	«
زیاد بر	زیاد ر	۱۳	«
المؤمنین	المؤمنین	۱۵	«
مهر و موم	مهر و موم	۱۱	۲۹
کرده	کرره	۱	۳۱
بعد از فتح	۱۷	۳۳
واز	وبعضی از	۲۷	۳۳
طلاق	اطلاق	۶	۳۷

صواب	خطا	سطر	صفحه
نباء	بناء	۲۸	۴
سوره	سوریه	۲۹	۴
سوزه	سووه	۸	۳۸
سوره	سوده	۱۲	۴
والذاریات	والدریات	۱۲	۴
محمد بن	محمدان	۱۹	۳۹
نشرح	شوح	۷	۴۰
واللیل	والیل	۱۱	۴
سوره حم	سوره یحیم	۱۹	۴
در	که	۱۷	۴۶
عنتم	عتم	۲۱	۴۶
یمامه	یمامیه	۱۵	۴۷
باتغییر	یاتغییر	۱۵	۴۸
چندان فرقی	فرقی	۱۶	۴
رسیده	رسید	۷	۴۹
عاص	عیص	۱۴	۴
ماهه	ماهه	۱۶	۵۰
فقط از	از	۹	۵۱
ابوبکر	الوبکر	۱۴	۴
این عمل و کار	این عمل	۱۸	۴
این	ان	۴	۵۲
تا قرآن را از صورت پسرا کندگی	تا قرآن را	۷	۴

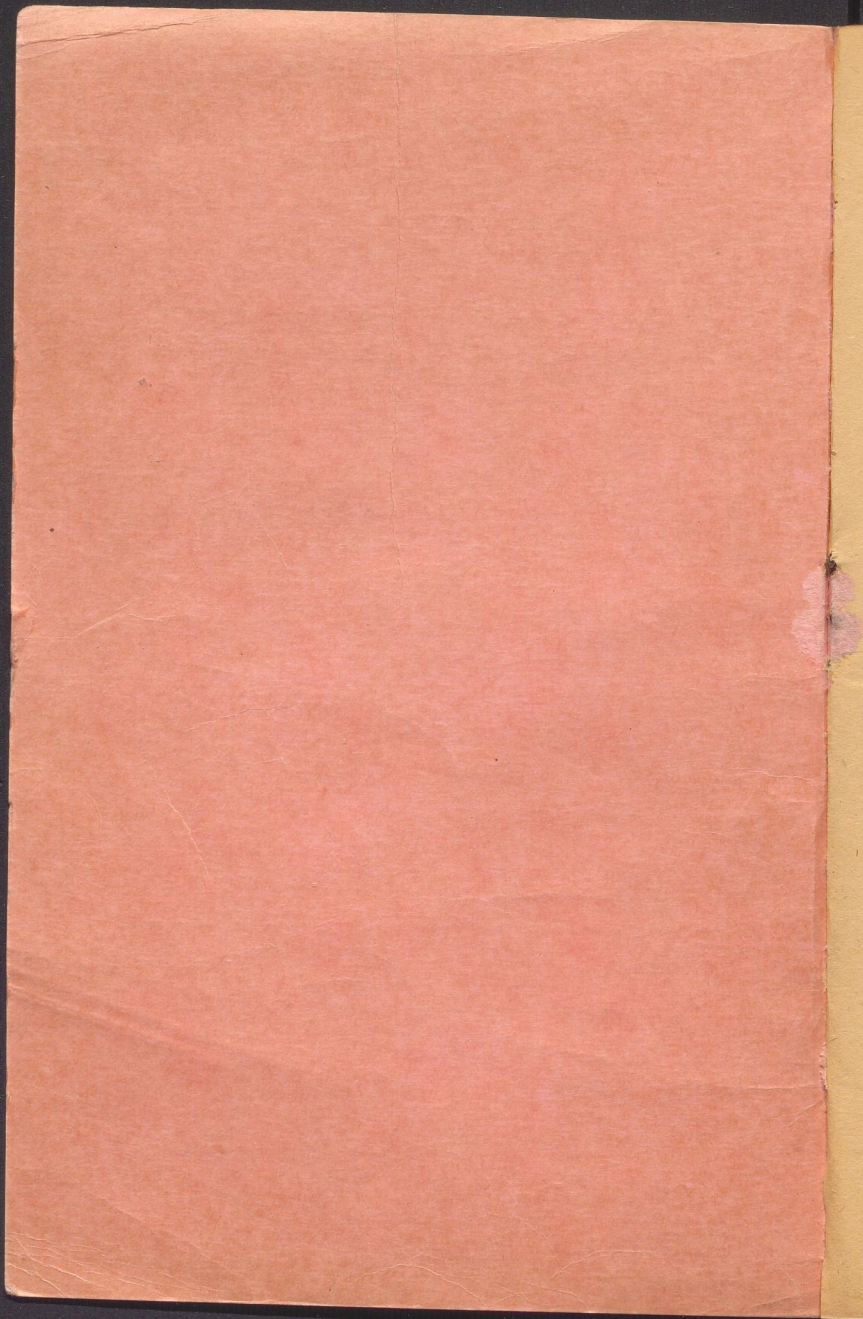
صواب	خطاء	سطر	صفحه
نسخه از آنقرآن	آنقرآن	۹	«
والصافات	والصافات	۲۷	۵۳
سوره	سوره	۲	۵۷
والذاریات	الذاریات	۱۴	«
مطابق	مطابق	۲۰	«
وآن از اینقرار	وآن اینقرار	۵	۵۸
الدين	الدين	۱۰	«
سوره حمعسق	سوره عمسق	۲۱	«
سوره	سور	۴	۵۹
در گذشته	قبلا	۱۰	۶۱
اختلاف تشخیص	تشخیص	۱۳	«
مخصوصی	مخصوص	۱۶	«
موسوم به	موسوم	۱۹	«
متنبه	متنبه	۲۱	۶۲
قرار	قرار	۳	۶۳
برای	رای	۶	«
گفت سبحان الله	گفت	۱۲	«
برای	رای	۱۹	۶۵
ابی بن کعب	ابن کعب	۱۵	۶۶
نافع	نفع	۱۸	۶۷
عربیت	عربت	۲۰	«
کثیر بن	کثیر ابن	۳	۶۸

اداره کل اوقاف

غیر قابل فروش صفحه ۴۰

-۸۸-

صواب	خطا	سطر	
در سال ۴۵	در ۴۵	۴	«
ابی ابن کعب	ابن کعب	۷	«
ابو ابوب	ابو ابوب	۱۲	«
بود	ود	۲۱	۷۰
به	یه	۳	۷۱
مغیره بزاز	مغیره زار	۲۲	۷۲
صحیح ترین	صحیح ترین	۲	۷۳
وفاتش	وفاتش	۴	«
وی	ولی	۵	۷۴



ULB Halle
008 910 960

3



اناره گل اوقاف

غیر قابل فروش

آگهی

از دوره دوساله روزنامه دنیای اسلام چند دوره مجلد در اداره موجود است که با فرستادن مبلغ ۲۵۰ ریال برای درخواست کنندگان محترم در هر جا که باشد فرستاده میشود .
برای محصلین و اشخاصیکه خودشان با اداره مراجعه نمایند صدی بیست تخفیف داده خواهد شد .

دوره دوساله روزنامه دنیای اسلام - گذشته از اینکه شامل مقالات مختلفه سودمند دینی و مبارزات مذهبی با مخالفین دین مبین اسلام و مذهب جعفری میباشد مشتمل بر چند دوره کتاب های مفید است که از آن جمله :

۱ - شرح عقاید مادیین و مفاسد عملی و اجتماعی که بر رویه فاسد آنان مترتب میباشد و تحت عنوان (تنهادرنداری مایه سعادت و مادیگری موجب بدبختی است) بقلم مؤلف انتشار یافته .

۲ - اخبار غیبی پیغمبر (ص) و ائمه مذهب جعفری که از اوضاع بیدینی مردم در ادوار آخر الزمان و فتنه های این دوران خبر داده و تحت عنوان (پیش بینی های پیشوایان دین) بقلم مؤلف منتشر شده است .

۳ - کلمات قصار پیغمبر (ص) که مطابق حروف تهجی از آنها که مصدر به حروف الف میباشد بقلم مؤلف آغاز و تشریح و ترجمه عصری شده است .

۴ - کتاب مبارزه با رباعیات منسوب به خیام است که رباعیات مزبور نتیجه برای جامعه جز ترویج مینخوااری و تن پروری و ایجاد روح عیاشی اثر طبع آقای صدیقی نخجوانی و در بیان آن پاسخ مخالفین این از دوست داران ادبیات فارسی که در این موضوع تعصبات بیجا بخرج داده شده .

21

WA

805

ع ۱۳۸

کتاب تاریخ قرآن مجید

شامل مختصری از تاریخ زندگانی حضرت رسول اکرم (ص) و ادواریکه برقرآن کریم از لحاظ کتابت و جمع آوری ترتیب و ترجمه آن بزبانهای مختلفه گذشته است .

تألیف

جناب آقای سید محمد علی تقوی

مد

این کتاب که

در تیرماه ۱۳۲۸

در چاپخانه

روز

طلبه

حق

دفتر

